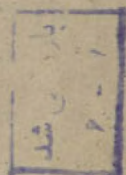


کتابخانه  
جلس شورای  
اسلامی



۱۳۵۰



۱۲۰

۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰



کتابخانه مجلس شورای ملی  
کتاب: زادالمسافر  
مؤلف: مهرداد کرمی  
جلد: (۱۳۸۰) از کتب (مجموعه) اهدائی  
آقای سید محمدصادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ثبت کتاب: ۳۴۰۵۳  
تاریخ: ۱۳۸۴

خطی اهدائی  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۱۳۵۰



۱۳۵۰

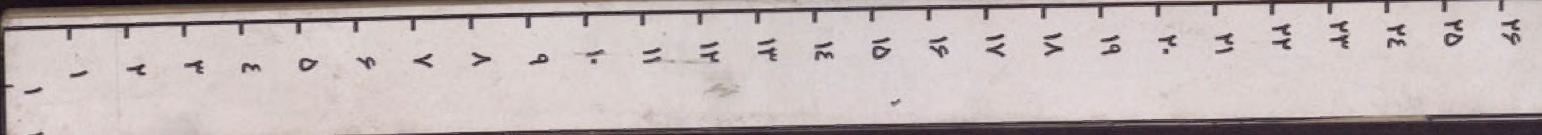


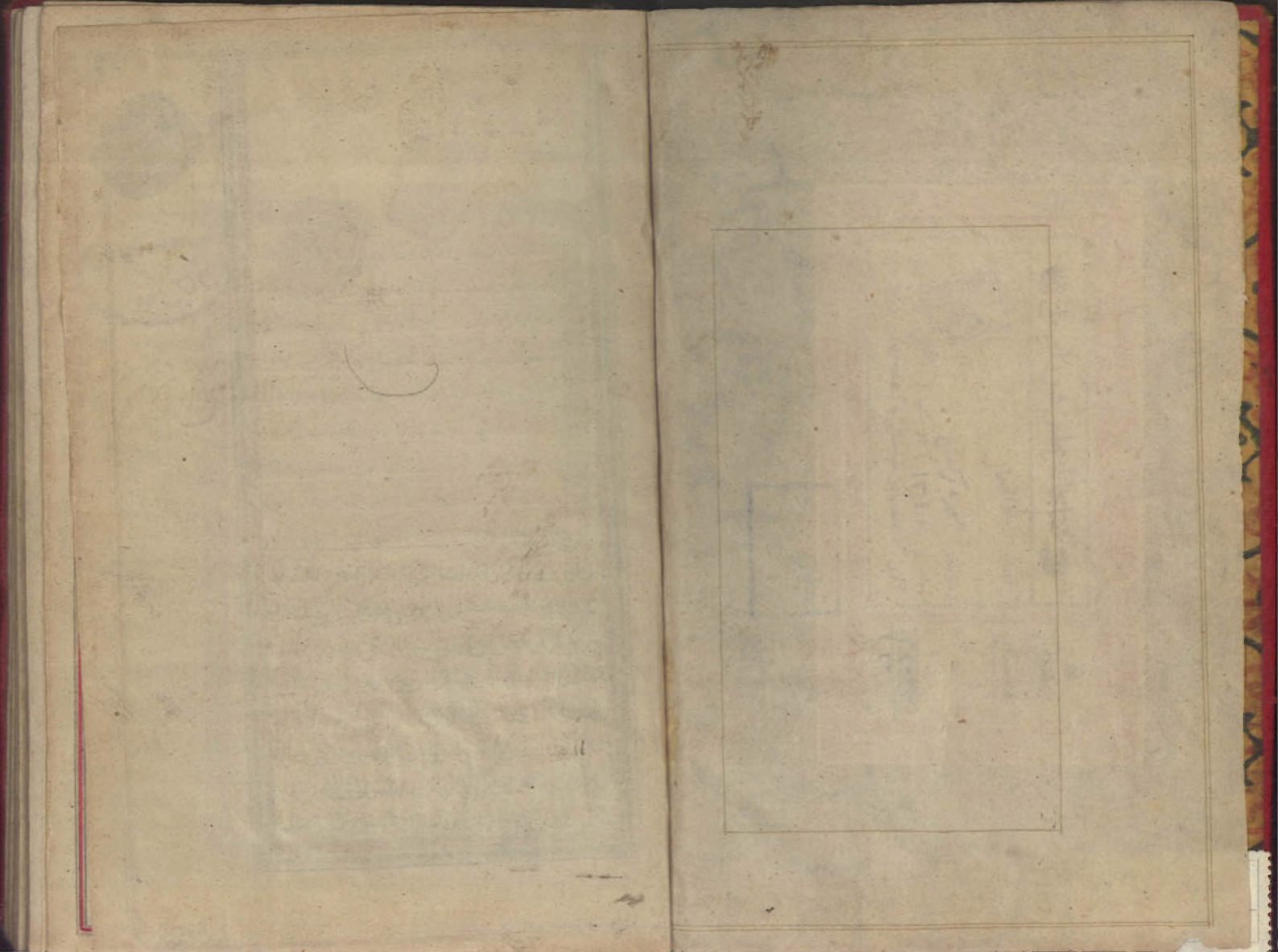
بار شد  
۹-۱

۱۴۰

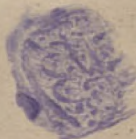
کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: ...	
مؤلف: ...	محرر: ...
جلد: ...	از کتب: ...
آقای سید محمد صادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی	
شماره ثبت کتاب: ۲۳۰۸۳	تاریخ: ۱۳۵۰

خطی اهدائی  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۱۳۵۰









بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل العباد فليكن له العادة في الآخرة والأولى  
والصلوة والسلام على سيد المرسلين محمد وجميع آل بيته الطاهرين  
**أما بعد** فإني خاضع لجلال مجد باقر محمد تقی عفی الله عنهما والواجب  
أرواح صافية برادران ائمه اهل البيت وخلقهم بركاتهم  
جناب مقدس ازیدی تعالی شأنه برای هدایت کرکشان  
بودی جهالت و ضلالت بطریق صوم و صلوة و دعا و عبادت که اکثر  
و اقرب طرف من عمل عبادات مقرر بکتابین و از حضرت رسول  
خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه و اعمال

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل العباد فليكن له العادة في الآخرة والأولى  
والصلوة والسلام على سيد المرسلين محمد وجميع آل بيته الطاهرين  
**أما بعد** فإني خاضع لجلال مجد باقر محمد تقی عفی الله عنهما والواجب  
أرواح صافية برادران ائمه اهل البيت وخلقهم بركاتهم  
جناب مقدس ازیدی تعالی شأنه برای هدایت کرکشان  
بودی جهالت و ضلالت بطریق صوم و صلوة و دعا و عبادت که اکثر  
و اقرب طرف من عمل عبادات مقرر بکتابین و از حضرت رسول  
خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه و اعمال



انسان رفیع البیان را که از انجمن همدستان و غروب  
 صوفیان صفوت نشان بر سر مدحای خلوت دولت بدو نام  
 نایب الدیار اقصای بدن المثنوی همدستان هر که بیخ خلا  
 انبیا کم بر کشید چون سید بر خود بیزید و هر که چهار اینه  
 نقاشی در بر کشید صورت مرگ خود را در آن دید که جبین قهرش  
 عقد کفای کره های کار کینگان کشاد که گفت در انوارش  
 سخاوت زارعی ماهای بزم کانتوس قواعد ملت و دین مرقع  
 شریعت باقی طاهرین جفا شریعت درگاه خلافت پناهش  
 از قبیل شاه سلاطین زمان لرز و خوابین دوران در صرح  
 مژده عزت و جلالتش روزان بنیادی که شدنا الضرایفها الکریم  
 اعز الشیطان لا اعظم الخافان لا حد الا کریم الخاکسره و  
 ملاذ الفیاضه بحیثی مراسم الشریعة القراءه و مشید قواعد الملک  
 البیضاء السلطان ابن السلطان و الخافان ابن الخافان الشیطان  
 حسن الموسوی الحکیمه الصوفی بها در خان لا زالت زیادت  
 دولت هر فوعه و همامان عدا ائمه و مبرک برید خفته ان  
 بازگاه خلافت است که که پدید آمد که مقبول طبع اشرف کرد  
 و ان علی حضرت از قوایان منتفع کرد و محمد و اله الطاهرین

و قد

والله الموفق والمعين وان شمل است بر چهارده باب و غایت  
**باب الحائک** در فضایل و افعال ائمه رجاست وان شمل است بر  
 پنج فصل **فصل اول** در بیان فضایل ائمه و عبادات است بدانکه این  
 وعاء شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای سالند و از حضرت  
 رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خورشید چوب  
 و شعبان بداند و وصل نماید روزی آنها را بر وی ماه مبارک  
 رمضان بر ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشد  
 نزد حق تعالی و در آن روز عبادی از انوار علی نداند که ای رج  
 و شعبان و ماه رمضان چگونه بوده است عمل بر بند در زمانها  
 و طاعت او از برای خدا هفت ماهها گویند که این بدن نوشته  
 گرفته در ماههای بر طاعت ترا و استند و فضل و رحمت از  
 نونود و سوسه شهادت طلب خوشنودی نو کردند و انوار است  
 اهتمام در تحصیل محبت نونود پس گواهی دهند ملائکه که چگونه  
 بر این ماهها که ما نبأ فیم بر بند را که طلب کنند طاعت  
 و خوشنودی نو و امیدوار رحمت و آمرزش نو بود و آنچه را  
 نمی فرموده بودی نزل کرد و آنچه را از او طلبید بودی بیوی  
 آنها مسارعت نمود و روزی کامل از برای تو داشت و شکر و



فرج و کوش و چشم و سایر جوارح و از آنچه بر او حرام کرده بود  
اجتناب کرد و روزی هفتاد و یک شب رسانید و در شبها  
خود را بسجده انداخت برای بندگی و توبه و صدقه و غیره و سائید  
بیتها و ادو و سایر رتبه ها و بنده کار تو نمود و با آنها  
مصاحبت میکرد و چون از اینها جدا شد و ذاع بیکو کرد و  
بعد از دفع اینها پیرامون محرمات تو نگردد و بیکو بند بود  
ابرئیل پس خواندانی ندا فرمود که بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار  
و استقبالی کنند و اما آنکه خدا بخفتها و کرامتها و انوارها و  
و استقامت و سوار کنند و بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار  
خانه که فانی نمیشود و سزائی که جوارح او نشویند و فانی  
و خوشحالان زوال ندارد و هرگز ایشان را هب نمی شد  
و از عذاب این بیکو بند و مشقت حتما از برای ایشان نیست  
و اینها از آنحضرت منقول است که ماه رجب ماه بزرگ خلقت  
و ماهی در حرمت و فضیلت باو نمی رسد و قتال با کافران در  
این ماه حرام است و رجب ماه خداست و شیعیان ماه مدینه  
و ماه رمضان ماه امت مدینه است که یک ماه روز ماه رجب  
روزی دارد منور و خوشنودی بزرگ خدا کرد و غضب

از او و در کرد و در روزهای چهارم بر روی او بکشد کرد  
و پسندید و غیر از حضرت موسی این حقیقت علیهما السلام منقول است  
که هر که یک روز از ماه رجب روزی از آن چهارم یکساله زاده او  
دور کرد و هر که سه روز از آن روزی دارد و هشت از برای او خوش  
کرد و اینها فرمود که رجب نام نهک نیست در هشت از شهر بید  
ترواز عمل شریف تر هر که یک روز از رجب روزی دارد و اینها  
نهک یا شامد و پسندید و غیر از حضرت صادق منقول است که حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ماه رجب ماه استغفار است  
منست پس بیدار دایه طلب امر فرمود که خدا امر فرزند و نهک  
و رجب اصیب گویند زیرا که رحمت خدا دایه است بر امت و نهک  
در چند پیشود پس بیدار بیکو بند استغفر الله و استغفر الله و  
پسندید و غیر از حضرت صادق علیهما السلام منقول است که هر که  
سه روز از ماه رجب روزی دارد و هر روز ثواب روزی یکسال  
برای او پسندید و هر که هفت روز از آن روزی دارد و هفت  
در چهارم بر روی او بکشد کرد و هر که هشت روز از آن روزی  
باز دشت در هشت روزی او کشود کرد و هر که پانزده  
روز از آن روزی دارد خدا او را احسان بکند و هر که



جمیع ماه رجبی روزی بدار که خوشنودی خود را برای او  
 بنویسد و هر که خدا خوشنودی خود را برای او بنویسد هرگز با او  
 عذاب نکند و این بابو به بنده معتبر است از روایت کرده است  
 که گفت رفتم خدمت حضرت صادق علیه السلام و از ماه رجب که چند  
 روز از آن ماه مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید  
 که ای ماه رجب در این ماه که گفتیم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود  
 که آنقدر از تو ثواب فوت شده است که قدر از این غیر از خدا کسی  
 نمیداند بدو شکی که این ماه است که خدا از راههای دیگر  
 قضایک داده است و حرم آن را عظیم گردانیده است و برای  
 روزی داشتن آن گرامی داشتن بر خود واجب گردانیده است پس  
 گفتم این رسول خدا کرد بنا بر این ماه روزی بدار یا پیغمبر  
 ثواب روزی دارا تا آنجا که بگویم فرمود که ای سالوهر که بگو روزی از این  
 این ماه روزی بدار خدا او را این گرداند از شدت شکر آن مکر  
 و از قبول بیکار از مکر و از عذاب قبر و هر که در روز از این ماه روزی  
 بدار در صراطی است که در روز و هر که در روز از این ماه روزی بدار  
 این کرد و از ترس بزرگ روز قیامت و از شدت نیاز و حوصلای آنروز  
 و عزت پنداری از آتش جهنم باو عطا کند و انشاء الله حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که بگو روزی از این  
 ماه رجب یا از کوسطان یا از اخوان روزی بدار که همان که شده است  
 امر نپذیرد شود و هر که در روز از این ماه یا از این ماه رجب روزی بدار  
 که هر که در روز از این ماه رجب روزی بدار شود و هر که بگوید از این ماه  
 احباب بدار که خوشنودی از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند عطا  
 او داد و هفتاد و سه گاه که در هر که در این ماه نصیب از برای خدا بکند  
 خداوند عطا دهد و بهشت بخشد باو عطا فرماید که چندی ندیده  
 نباشد و کوشی نشیند باشد و بر خواهری که خطور نکند باشد و این  
 بنده معتبر است از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است  
 که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که بجا آمد  
 رجبتون پس گروهی برخیزند که نور و روزهایی ایشان جمیع محشر را  
 روشن گرداند و نوح پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکمل باشد  
 نوح ایشان بفر و اید و نفوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده  
 باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ هر روز ندا کنند  
 که کوارا بدار اسکرانهای خوشنودی ای بندگان خدا پس خداوند  
 رحمن ندا کند ایشانرا که ای بندگان و کثیر از من بعثت و جلال  
 خود سوگند یاد میکنم که شما را در کافای بکوسا کن گردانم و



عطا های شما را بزرگ کردیم و عطا کنیم شما را از هشت غنایها که  
 نهاده در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غنایها باشد و بگو  
 مردیست غریب که از کائنات برای من بپا که بر شما واجب کردیم و  
 دانشمند از برای من در راهی که حرم است از اعظم کثر پادشاهان بودم  
 و حق از او واجب ساخته بودم ای ملک که من بند کائنات و کینه از  
 مرا داخل هشت کرد و پادشاه حضرت فرمود که این همه ثوابها  
 برای کسی است که چیزی از ماه رجب روز دارد اگر چه بگوید  
 باشد از اولش تا میان آخرش و بدست من از حضرت امام رضا  
 روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب روز دارد و خوش  
 در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز از روز دارد خدا  
 بپایست از او خوشنود و از وی که بدو از او خوشنود کرد و اندر هر که  
 سه روز از روز روز دارد خداوند کریم از او از وی کرد و خوش  
 او را از او از وی کرد و اندر قیامت و هر که هفت روز از روز روز  
 بداد چون بپیر درهای هفت آسمان برای روح او کند و مشغول  
 نام بگو تا اخی برسد و هر که هشت روز از روز روز بداد هشت  
 در هشت بر روی او کند و شود و هر که پانزده روز از روز روز  
 بداد هر حاجت که از حق بخواهد بطلیب بر او داده میشود مگر آنکه

مثال

سؤال از برای کاهانی باشد یا منصف قطع رحم باشد و هر که تمام  
 ماه را روز بداد از کاهان هر روز بداد مانند روزی که از ماد روز  
 منوگردد باشد و از آتش جهنم از او کرد و در داخل هشت کرد و با  
 بر که بدکان و شکوک از آن و اخلاص و دایر بایب بسیار است این  
 رساله که پیش ذکر آنها اندارد **تکلیف** در بیان افعال است که کسی که  
 از روز غایب باشد یا بر آن دشوار باشد بعضی آن بعمل آوردند  
 بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بدل روز منتهی  
 بگذرد هم تصدق کند که موافق روزهای این زمانها تقریباً هفت  
 دینار بوده باشد و بر روایت دیگر عوض روز منتهی بگذرد یکدم  
 با جوارز شدن است و اخوط در مد صد درم شایسته و ظاهر  
 صد درم که نه کافی باشد و در روایتی در خصوص روز ماه  
 مینار که رجب یک کرده نان نیز وارد شده است اگر که در روز شنبه  
 و حمل کرده اند بر کسی که بر ایشان باشد و غذا در برده و مد نباشد  
 و ایضا در خصوص روز ماه رجب از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وارد شده است که بعضی روز اگر قادر بر آن باشد  
 هر روز صد درم به ابر کسی که از آنجا اندک تا ثواب روز را بداد  
 سبحان الله الوجلجل سبحان من لا یغنی الشیخ لاله سبحان























و دیگر آن از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت در آخر  
روز جمادی الثانی به رستم خدمت حضرت رسالت پناهنده شدم  
فرمود که ای سلطان تو از ما افضل بستی که فرمود که هر چه مؤمنان از  
سؤمت که در ماه رجب بی رگت نماز بکنی از دو ماه رگت جدا  
گذاشته و مرتبه سونت قل هو الله احد و سه مرتبه سونت قل یا ایها  
الاکبر و بخواند البسمه خوشی می جوید از نامه عمل او هر کجا می  
کند و کوبد و بر زنی کرده باشد و خدا عطا کند با و ثواب بسیار  
که تمام آناه از دین گرفته باشد و ناسا لا یجوز خوشی او از  
نماز که از دین بگوید و در هر روز آناه ثواب شهیدان ببرد  
چنانکه مکر از برای او باستان برسد و به هر روز که در آناه روزی  
بگذارد عبادت بکشد و در نامه عمل او بنویسد و هزار درجه در  
بهشت از برای او بلند کند و اگر تمام آناه را روزی بگذارد خدا  
او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت از برای او واجب گرداند  
ای سلطان خبر شیل این نماز را از برای من آورد و گفت با عهد این  
خلاصی است میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را  
نمیکنند گفتیم با رسول الله چگونه این نماز را بکنیم و در چه وقت بجا  
آوریم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بخوانی و روی

بجای

ببینی هر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت صد ان شاء الله  
سونت قل هو الله احد و سه مرتبه سونت قل یا ایها الاکبر و بیخوابی در  
بعد از هر سلام دست بوی آستان بلند کن و بگو لا اله الا الله و  
خدا لا شریک له لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و  
الحمد لله و هو علی کل شیء قدير لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله  
و لا اله الا الله و لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله  
سطحی از روی ده رکعت نماز بخوانی و بیخوابی بعد از هر سلام دست  
بوی آستان بر میداری و بگو لا اله الا الله و خدا لا شریک له  
لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
بر روی خود می کشی و در روز آخر نماز خود ده رکعت تمام کنی و  
بعد از هر سلام دست بر میداری و بگو لا اله الا الله و خدا لا  
شریک له لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
و هو علی کل شیء قدير و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
جمله ای که از او آمده است و خدا را بیان تو و جهت هفت خندان  
قرابید که عرض کند فی این زمین و آسمان بوده باشد و بعد



هر که حق ثواب هزار بار رکعت در نماز عمل تو بنویسد و در آن روز  
از آنش ختم کند شش بر خصلت برای تو بنویسد و منقول است که هر که در  
روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند عتقا  
و رقیبا با تو عطا کند که بان نور داخل پشت کرد و در پیشه خبر  
و نود شد است که حضرت امام محمد باقر در روز جمعه از آن آیه  
مستول شد و موجودی با دین شرفا بنور کردید و در روز پنجشنبه  
شد است که حضرت امام علی نقی در روز جمعه ماه رجب شد و  
بر خواهر بگردید و در نیمه ماه رجب شد و بر خواهر بر خواهر و آنحضرت  
در روز ششم واقع شده است و این عصاره گفته است که اول آنحضرت  
در نیمه واقع شده و اول آنحضرت امام محمد تقی در روز ششم واقع شده و آنحضرت  
اندوایات در فضیلت خصوص رجب وارد شده و در فضیلت آنکه  
ما را بجا داشته غیر وارد شده است آنحضرت رجب و آنحضرت رجب و آنحضرت رجب  
آنحضرت امام جعفر صادق منقول است که گفتند آنحضرت رجب ماه را با برکت  
داده اگر با جلال از آنجا گذشته نداده آناه رجب ماه را عطا و عطا و عطا  
با برکت داده اگر با جلال از آنجا گذشته نداده آناه رجب ماه را عطا و عطا و عطا  
با برکت داده اگر با جلال از آنجا گذشته نداده آناه رجب ماه را عطا و عطا و عطا  
الکاف و سوره قل هو الله احد را هر که جمع کند میان این سه

فضیلت

فضیلت جمیع فضایل ابراست جامع کرده باشد برسد نیکو کند  
چند که فرمود که در شب نهم ماه رجب این سه ماه در رکعت غازی  
بکلام در روز رکعت بعد از سوره حمد سوره راحه بخواند و عتقا  
چهار در چهار رکعت بکلام در روز سلام و در هر رکعت بعد از  
حمد این سه سوره راحه بخواند و در شب نهم در هر رکعت بخواند  
به سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره راحه بخواند و عتقا  
جمیع فضیلت این سه ماه را بنیاید و جمیع کافا فی الزمان شود  
بجز از شریک و از حضرت خدا و عتقا منقول است که هر که با این  
ماه رجب در روز و در هر رکعت این سه سوره راحه بخواند و عتقا  
برای او بنویسد و در رقیبا است و از رحل اینان باز دارد که هر که  
و خوف نداشته باشد و شهنواز است که ولادت با سعادت  
حضرت جبرائیل علیه السلام در میان آنکه سطره در روز  
سیر و هم ماه رجب بود و از ده سال قبل از نبوت شدن حضرت  
رسول و علی این را بر جیم گفت داشت که ولادت حضرت را امام علی  
نهی کرد و روز نهم ماه رجب بود و در سال دو بیست چهارده  
از هجرت و شب نهم ماه رجب است و عتقا و عتقا و عتقا  
و آنجا ای آن عبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول



منقولست که در شب نهم و چهل و نهم از امیر کبیر علیه السلام که در آن روز  
 که در دیوانه خال قوسان نباشد و هر که در آنجا باشد از آن حضرت منقولست  
 که هر که در آن روز چهاردهم و پانزدهم و ششدهم و هفدهم و هجدهم و بیستم  
 آنها مشغول عبادت باشند از عبادت و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 او را زنده شود و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 خدا را طاعت کند و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 باشد و شفاعت او را قبول کند و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 او که شش و هفت و هشت و نه و ده و یازده و بیستم و در آن روز و در آن روز  
 فرمود و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 باشد و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 خادم داشته باشد و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 صادر و حاکم السلام و ابواب کرده است که در شب و در آن روز و در آن روز  
 دوازده رکعت نماز پنجگانه و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 که خواهم چون فاتحه شوی و هر یک از آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 بر تبارک و تعالی و علی عود بر تبارک و تعالی و علی عود بر تبارک و تعالی و علی عود  
 چهار مرتبه بخواند پس چهار مرتبه بگوید سبحان الله و بحمده و تعالی

و اما

ولا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
 و اما شاء الله لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
 خبر علی بن ابی طالب علیه السلام است که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام که در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 شش و هفت و هشت و نه و ده و یازده و بیستم و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 معبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت ابی تراب علیه السلام  
 در این روز چهار رکعت نماز کرد و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 خواند پس فرمود که هر که شش و هفت و هشت و نه و ده و یازده و بیستم و در آن روز  
 اله که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 و هر روز که بخواند بخواند و دعا بابت اللهم یا رسول الله یا رسول الله یا رسول الله  
 و غیره یا مؤمنین یا کافرین یا حبیب یا صبیح یا مظهر یا قاتل یا قاتل یا قاتل یا قاتل  
 و هر که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 مؤید یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار یا یار  
 فرمود که هر که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز  
 یا المؤمنین و المؤمنات یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار  
 یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار یا الابرار







سختی است چون آغاه در آمد سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم  
 که آنرا اتمام البیض اندوده بدو یک حضرت که پیش از آن عمل را  
 تسلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و به هر کس که بخواهی  
 مکن که هر کس که بدست کسی بپشتد که از برای امر یا طلبی  
 و نامشروعی بپشتد دعا را بخواند و بوسی که این دعا بسیار  
 شریف است و مثل آنست بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند  
 البته بر او در می شود و اگر در گاهای آسمان و زمین و در هر  
 خود و در ماه یا ماه یا ماه باشد بسیار خوب و حاجت تو چون این  
 دعا را بخوانی البته حق تعالی آن را بیکر دانند و سپردن امر  
 بمطلب حاجت تو را بر تو می آید و هر که این دعا را بخواند خدا  
 سختی را بیکر نداند خواه مرد و خواه زن و اگر پس و اگر هر چه در  
 خیر تو باشد خداوند قادر کفایت شتر ایشان را میکند و  
 زبان ایشان را می بندد و ایشان را از امتداد فرزند تو میگرداند  
 تا او دگفت که حضرت بنیاد دعا را برای من نوشت و چنانچه بگشتم  
 و چون ماه رجب را خل شد آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم  
 و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را از اگر دم و از درین احوال  
 نمودم و فردی صیادت کردم و بخواب رفتم و در خواب دیدم

جمع ملائکه و کچکیران و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات  
 فرستاده بودم و حضرت در سوره المخطاب فرمود که ای مادر  
 داود که ایشان را با تو را که بر حاجت که می خواهی بپشتد و با تو  
 و شقیان تو انداز برای تو طایفه از من می کشد و فشارت  
 میدهد و ترا تا بکه حاجت تو برآورده است پس فشارت با تو را  
 تا من از خداوند بخشنود و خداوند از برای خیر دهد و شاد  
 باش که حق تعالی فرزند تو را حفظ میکند و بنور بیکر دانند و شاکه  
 الله تعالی آن را بدگفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن  
 بافتد در زمان که سوار شدم روی از برای خدمت به آید و او در  
 من آمد و گفت ای مادر من در غرض از من بدان که این سنگی و  
 سنگینی که در تو می نمودم و تا البیض تو را از خلاص شدن چون  
 شب نصفه جیب شد دیدم که بلند بپای نیمه ایست شد  
 و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دگر  
 تو مرکز را چند دور ند که من همانا ایشان را از آسمان بود و آنها  
 ایشان در زمین و شبی و من به خدا میگردانم و بیکر از ایشان  
 که از هم خوشتر و شریفتر و خوشتر و بجاها و بسیار بیکر در بر  
 داشت و کان کردم که حضرت در سالت پناه بگرفت



















خواهد شد آفتاب آمد و شیخ سفید در گفته است که در بیت  
 دوم اینها معاد به جلیه الله تعالی و حاصل شدن است مستحق  
 کل این روز را بشود و از کتب معتبره این بحث و در روز بیت ستم  
 اینها و خواجهان خیریه را از هر دو زبان مبارک حضرت امام حسن مجتبی  
 نقد نداشت آنحضرت و علم بر ظاهر و باطن آنحضرت است  
 و در روز بیت چهارم اینها و خیریه در دست مجتبی ایستاده اند  
 خط این چنانکه جاری شده و در جبهه خودی و در دست آنحضرت  
 کشیده شده اند و در روز آنروز و در کتب معتبره این بحث و در روز آنحضرت  
 ششجاست و شیخ جعفر باقیه ذکر کرده است که شهادت حضرت  
 امام موسی کاظم و در روز بیت پنجم ماه رجب واقع شد اما آنحضرت  
 بسیار در غیبت است و روز وفات و در روز آنروز و در دست آنحضرت  
 نقل کرده اند از این باب و خبر آن که حضرت رسوله در روز بیت  
 پنجم رجب بعثت بر سالک شد و این خطا شهور و احوال و بی نظیر  
 است که بعد از این روز که خواهد شد اما در غیبت روزی است  
 که کتب نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که روز  
 اش که آن روز و در بیت سالک است و در دست امیر المؤمنین علیه السلام  
 امام رضا علیه السلام است که هر که روز بیت و پنجم ماه رجب را و روز

بیت

باید در حق ضایع روزی او را که آن هشتاد و سال که او کرد و با بعضا  
 از آنحضرت منقول است که هر که روزی و در بیت و ششم ماه رجب را و روز  
 و از حق ضایع روزی او را که آن هشتاد و سال که او کرد و در روز  
 بیت و هفتاد اینها و از جمله اعیان عظیم است و در بیت که حضرت  
 رسوله و آنروز رسالت تبصرت کرد و در کتب معتبره این بحث و در روز  
 آنحضرت نازل شد و در شب آن شب بسیار در کتب و در دست آنحضرت  
 منظر آنحضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که در ماه رجب  
 ششم است که در آن روز از برای مردم از آنچه اوقات بران عظمی و در  
 شب بیت هفتاد اینها است و در صبح آنشب حضرت رسوله بر سالک  
 معجوت شد و یک که در آن کتب در شب آن شب در غیبت سالک  
 خدا با و عطا میفرماید و در سید که عمل آنشب بیت فرمود که چنانچه  
 نماز خشن کردی بخوابی هر وقت از شب که بیدار شوی بخوابی و بهتر  
 از نصف شب بخوابی بعد از نصف شب و در روز رکعت نماز  
 بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یا  
 سوره از سوره که اولی بعد از آن بر آن بخوان و چون از نماز برخیزی  
 شوی چنانکه در کتب معتبره منقول است حدیث آنحضرت علیه السلام و آنرا عود  
 بر تبارک و تعالی و خداوند تعالی آنها انکار فرود و آنرا از لایه و این



اکثری از هر یک از هفت مرتبه بخوان پس ابتدا را بخوان تا آخر  
 الذی یخفی به و لا یخفی فی الذلک و لا یخفی فی الذلک و لا یخفی فی الذلک  
 الذلک و لا یخفی فی الذلک و لا یخفی فی الذلک و لا یخفی فی الذلک  
 عزیمت و منتهی الخیر من کلمات و اینها را عظیم الا عظیم و غیره  
 الا عظیم و کلمات اینها را تا آخر بخوان و اینها را عظیم  
 و آن فصل بعد از آن است که هر حاجت که خواهم طلب که هر چه  
 طلب کنم بخواهم بدست آورم که هر چه بخواهم بقطع و هر چه بخواهم  
 جبر از مؤمنان یا طلب کنم و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر  
 می شود و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر  
 منقوست که در شب هفت هفت و هفت و هفت و هفت و هفت و هفت  
 رکعت نماز بخوان و در هر رکعت بعد از سوره حمد چهار مرتبه  
 سوره قل اعوذ بربنا الفلق و قل اعوذ بربنا الفلق و قل اعوذ بربنا الفلق  
 و چون از دو رکعت فارغ شوی و همان مکان بمان و هر چه بخواهی  
 لا اله الا الله و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم  
 باقیه العین العظیم پس هر حاجت که خواهم طلب که هر چه بخواهم  
 از این دو دعاست که عمل کند خوبست و اگر هر روز کند بهتر است  
 و اگر نماز شب نصف بخواند که بسند صحیح و کور شد در شب بخوان

نور

آمد خوبست و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت  
 آمد و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت  
 و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت  
 علیه نماز و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت  
 در آن دو رکعت و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت و در آن دو رکعت  
 العظیم و کلمات اینها را تا آخر بخوان و اینها را عظیم  
 و آن فصل بعد از آن است که هر حاجت که خواهم طلب که هر چه  
 طلب کنم بخواهم بدست آورم که هر چه بخواهم بقطع و هر چه بخواهم  
 جبر از مؤمنان یا طلب کنم و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر  
 می شود و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر و در عذر  
 منقوست که در شب هفت هفت و هفت و هفت و هفت و هفت و هفت  
 رکعت نماز بخوان و در هر رکعت بعد از سوره حمد چهار مرتبه  
 سوره قل اعوذ بربنا الفلق و قل اعوذ بربنا الفلق و قل اعوذ بربنا الفلق  
 و چون از دو رکعت فارغ شوی و همان مکان بمان و هر چه بخواهی  
 لا اله الا الله و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم  
 باقیه العین العظیم پس هر حاجت که خواهم طلب که هر چه بخواهم  
 از این دو دعاست که عمل کند خوبست و اگر هر روز کند بهتر است  
 و اگر نماز شب نصف بخواند که بسند صحیح و کور شد در شب بخوان







وَضَعْتَنِي فِيهِ الصُّغُرَ وَالْقِيَامَ وَمَا مَنَعَنِي وَتَحَاوَرْتُ عِظْمِي وَتَحَاوَرْتُ  
بَاكِرِيَمِ اللَّهِ ثُمَّ وَقَدْ كُنْتُ فِي الطَّلَبِ وَأَعْيُنِي عَلَى كَلِمَةِ اللَّهِ وَتَحَاوَرْتُ  
وَقَدْ سَيَا الْأَمَانُ وَالْمَنْطِقُ الرَّطْبَةُ الْأَيْلَةُ وَخَدَّكَ لَا تُشْرِكُ لَكَ  
اللَّهُ ثُمَّ فِي جَدِيدِ الْمَطْلَبِ لَيْسَ لَكَ غُضْرَةٌ وَمَنْ جِيلُ الرَّجُلِ وَالْجِيلُ  
مَنْزِلَةٌ وَأَوْسَى الدُّعَاءُ لِي دُعَاءُكَ مُنْقِضَةٌ وَأَلَا يُعْنَى نَزْلُ اسْتِغْنَاءِ  
بِكَ دُعَاءُكَ وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لَدَا حَيْثُ يَوْضِعُ لِحَايَتِي وَلِيَصَارَ رَجُلًا  
يُحَرِّصُ دُعَاءُكَ وَأَنْتَ فِي اللَّهِ مُغْنِي لِي عَنْ دُعَائِي وَالْعَمَلُ لِي بِهِ لَيْسَ بِمُحْتَمِلٍ  
مِنْ تَنْجِي الْبَاطِلِينَ وَمَنْ دُعَاءُكَ فَأَيُّ بَدِيٍّ الْمُسْتَدْرِجِينَ وَأَنْتَ لَا  
تُجْزِي عَيْنِي حَتَّى لَا أَنْ تَجْزِيَنِي الْأَكْفَالُ دُعَاكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ  
أَفْضَلُ نَادِي الرُّجُلِ إِلَيْكَ عَزَّ وَجَلَّ وَأَدْفَعُ نَجَاكَ بِمَنْزِلَةِ الْأَدْفَعِ  
كَلْبِي فَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دُعَاءٍ دُعَاكَ بِمَا رَاجٍ بِكَ مِنْ مَسْأَلَةٍ أَوْ صَارِيحٍ  
إِلَيْكَ أَعْلَنَ صَرِيحَةً أَوْ بِمَقْصُودٍ مَخْشُوعٍ وَبِغَيْرِ حُجَّةٍ عَنْ ظَنِّي  
أَوْ مُدْرِبٍ خَاطِرِي غَفَرْتَ لَهُ أَوْ عَمَّا نَا أَنْتَ تَسْأَلُ عَمَّا لَكَ وَتَقْبَلُ  
أَعْلَنَ غِنَاكَ إِلَهُي وَإِلَاكَ الدُّعَاءُ عَلَيْكَ حَقٌّ وَغِنَاكَ سُبْحَانَكَ لَا  
صَلَّتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلَّتْ عَلَى خَلْقِ الْوَسْطَى وَالْآخِرَةِ وَهَذَا  
رَجَاءُ الْمُرِيدِ الْكَرِيمِ وَاللَّهُ أَكْرَمُ شَيْءٍ أَوْ لَوْ أَنَّ شَيْءًا مَعْرُوفًا أَكْرَمُ شَيْءًا  
يَهْمُنَا لَا يَمُوتُ بَادِيَ الْجُودِ وَالْكَرَمِ كَأَسْأَلُكَ بِهِ وَلَا يَسْأَلُكَ إِلَّا عَظِيمُ الْأَعْيُنِ

الْأَعْيُنِ الْأَجْمَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي غَلَبَتْهُ مَا شَتَمَتْهُ فِي ظِلِّكَ مَا لَا يَخْفَى مِنْهُ  
إِلَّا بِغَيْرِ أَنْ تَسْأَلُكَ عَلَى حَقِّكَ مَا هِيَ كَيْدُ الظَّالِمِينَ وَتَجَسَّسَاتِ الْعَالَمِينَ  
يَسْأَلُ بِطَائِعَتِكَ وَالْأَجْمَلِينَ فِيهِ لَيْسَ بِشَيْءٍ عَيْنُكَ الْبَاطِلُ وَهَذَا إِلَى سَوَاءٍ  
الْمُسْتَبِيلِ وَالْأَجْمَلِ عَيْنُكَ عَيْنُكَ بِسَبِيلِ نَجْوَى طَلِيلٍ فَأَنْتَ حَسْبُنَا وَنَجْوَى  
الْعَوِيلِ وَالْإِسْلَامِ عَلَى عِبَادِهِ وَالْمُصْطَفِينَ وَتَسْكُنُ إِلَهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُ أَكْرَمُ  
وَأَبْدَلُنَا فِي قَوْمِنَا هَذَا النَّجْوَى فَصَلِّ عَلَى مَنْزِلَتِكَ وَجَلَّتْ قُرْبَانِي لِي  
الْعَظِيمِ نَيْكَ نَزْلَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مَنْزِلَةِ الْحَيَاةِ وَكَانَ سَلَامُهُ وَالْحَيَاةُ الْكَلْبُ  
الْجَلِيلُ اللَّهُ ثُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْزِلَتِكَ وَتَسْكُنُ إِلَهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُ أَكْرَمُ  
لَنَا وَمِنْ رِزْقِ الْخَيْرِ وَالْخَيْرِ لَنَا لِسَمَاءِ دُعَائِي لَنَا وَتَجَلَّى لَنَا الْغَيْبُ  
مِنْ أَعْيُنِنَا وَتَجَلَّى لَنَا فَضْلُكَ أَمَّا إِنَّا الْإِنْفَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ نَقِيرُ وَصَلِّ  
اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَسْكُنُ إِلَهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُ أَكْرَمُ  
مَنْقُولُ كَمْ هَكَذَا دُعَاءُكَ مِنْهُمْ مَا هُوَ بِجَنَابِكَ دُعَاءُكَ دُعَاءُكَ نَحْنُ  
سَأَلُكَ أَوْ كَرِهَ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ دُعَاءُكَ نَحْنُ  
سَأَلُكَ أَوْ كَرِهَ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ دُعَاءُكَ نَحْنُ  
كَرِهْتَهُ وَأَبْدَلُكَ أَوْ كَرِهْتَ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ نَحْنُ  
كَرِهْتَهُ وَأَبْدَلُكَ أَوْ كَرِهْتَ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ نَحْنُ  
كَرِهْتَهُ وَأَبْدَلُكَ أَوْ كَرِهْتَ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ نَحْنُ  
كَرِهْتَهُ وَأَبْدَلُكَ أَوْ كَرِهْتَ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ مِنْهُمْ دُعَاءُكَ نَحْنُ



مخصوصی ذکر کرده اند چو رستند و مشرب ز سبیل خود است ایستاد  
 تا بهر چون بسیار شهوار است ایستاد و می نماید بر سبیل احوال را اگر  
 کسی بصدای آنکه صلیف خوب است بکند بد نیست **نکته اول** رکعت  
 در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه حمد یعنی قل یا ایها الکافرون  
 سه مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد **نکته دوم** رکعت با حمد  
 و حمد **نکته سوم** رکعت با حمد و پنج مرتبه سون الا اناه نصر الله و در  
 هر رکعت **نکته چهارم** صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد  
 قل اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس  
**نکته پنجم** شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد یک پیغمبر و توحید  
**نکته ششم** دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت نوبت یا ایا الکفر  
**نکته هفتم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و هفت نوبت  
 هر یک سه مرتبه و بعد از نمازده مرتبه صلوات و ده مرتبه  
 تسبیحات اربع **نکته هشتم** رکعت در هر رکعت یک حمد و  
 هر یک از چهار قل سه مرتبه **نکته نهم** دو رکعت بعد از پنج مرتبه الحمد  
 الکافرون **نکته دهم** و از ده رکعت بعد از مغرب با حمد سه مرتبه  
 توحید **نکته یازدهم** رکعت با حمد و دو از ده مرتبه یا ایا الکفر  
**نکته بیستم** دو رکعت با حمد و از اس الرسول ده مرتبه **نکته بیست و یکم**

ده رکعت در هر دو رکعت در یک قل بعد از حمد سون و الحمد  
 و در دویم سون الحمد و الحمد الکافرون **نکته بیست و دو** رکعت در هر  
 بعد از حمد سون توحید و اینه قل انا انما نزلنا انما نزلنا انما نزلنا  
**نکته بیست و سه** رکعت با حمد و ده مرتبه سون توحید در هر  
**نکته بیست و چهارم** دو رکعت در هر رکعت بعد از سون حمد و توحید و سون  
 هر یک ده مرتبه **نکته بیست و پنجم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد یا ایا  
 مرتبه توحید و اینه الحمد و سون **نکته بیست و ششم** دو رکعت در هر رکعت  
 سون حمد و پنج مرتبه یا انا انما نزلنا **نکته بیست و هفتم** شش رکعت در هر رکعت  
 بعد از حمد ده مرتبه یا انا انما نزلنا **نکته بیست و هشتم** توحید  
**نکته بیست و نهم** هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سون حمد و هفت  
 مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از نماز رخ شدن ده مرتبه صلوات  
 بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار **نکته بیست و دهم** دو رکعت در  
 هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سون و الفی **نکته بیست و یازدهم**  
 چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد یا اس الرسول و سون  
 توحید یک مرتبه **نکته بیست و بیستم** بیست رکعت در میان نماز  
 شام و غنیمت در هر رکعت حمد و اینه اس الرسول و سون توحید  
 یک مرتبه **نکته بیست و یکم** و از ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد

مرتبه توجید **شعبان** در مرتبه سوره اعلی و در مرتبه انوار  
 بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد  
 و صد مرتبه استغفار **شعبان** در هر رکعت بعد از  
 حمد در مرتبه توجید در هر بار از این نمازها توبه ای بسیار  
 مذکور است و بنا بر حدیثی که در سند ذکر نکرده و جمیع توابع  
 که مذکور میشود هر دو رکعت یک سلام است و بعضی که طویل  
 دارد و میان نماز شام و غنیمت واقع شده است و باید که بعد از  
 دخول وقت غنیمت واقع شود که در حق خالی از اشکالی نیست  
 لهذا نماز شب هم در غایت از این رساله مذکور و در هر بار که  
 از طریق عام نقل شده است و معتبر نیست **فضل نماز شب**  
**شعبان** در این ماه و این اوقات مبارک **شعبان** و ایام طویل  
 است و در آن نیز پنج فصل است **فصل** در بیان فضیلت  
 این ماه است و ثواب روزی که در آنکه فضل ماه **شعبان** زاده  
 از ماه رجب است و منسوب است بحضرت سید الانبیاء چنانچه  
 منقول است از حضرت صادق علیه السلام که چون حضرت رسول ص  
**شعبان** از شما آمدن می نمود امر می نمودند که آن را که دعا کند

در هر روز  
 صد مرتبه  
 صلوات

درین

در میان مردم که ای اهل مدینه منوره سولای جانب سول خداست  
 شما و پیغمبر ما بد که **شعبان** ماه منست خدا رحمت کند کسی را که با او  
 یک مرتبه ماه من پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که اندوختن کسب  
 انبیا و آنحضرت را شنیدم روز **شعبان** از ترک نکردم و تا زمان ام ترکه  
 نخواهم کرد ان شاء الله تعالی عز و مجد و در ماه **شعبان** و ماه رمضان  
 توبه ایست انجا که خدا برای جمیع کائنات و انبیاء و اولاد منقول است  
 که حضرت رسول ص جمیع ماه را نام روز غنیمت می داشت مگر روز **شعبان**  
 که در اصل یک روز ماه رمضان و انجا که آنحضرت سوال کردند که کجا  
 روزی اندوختن است منقول است فرمود که روزی **شعبان** برای  
 تطهیر ماه رمضان و آنحضرت تمام جمیع اوقات را در عبادت و استقامت منقول است  
 که حضرت رسول ص **شعبان** روزی بسیار است و در اصل یک روز ماه و در  
 و پیغمبر و هر دو ماه خداست و روزی هر دو کاهار که در کشته  
 و اینک است و انجا که حضرت با فرجه منقول است که هر که ماه **شعبان**  
 را روزی دارد و ندانند که روزی از هر روزی و از فضیلت و معصیت و  
 قیامهای روزی و وقت غنیمت از حضرت رسول ص پناه منقول است  
 که ماه **شعبان** ماهیست عزیز و نام منست و عالم را در عز و جلال  
 تعظیم بینما بند و حق و حرم است از این شناسند و آن ماهیست که



زبان به شود و در آن روزهای سید کار از برای ماه رمضان و بقیع  
میکنند در آن بهشت باز او را شعبان نام کرده اند برای آنکه مفضل  
و بسیار دیگر در آن روزهای مؤمنان و حسنه در آن ماه مفضل  
بیکر دهفتاد و یک روز و یکا در آن است بیکر دو و امر زین می شود  
و احوال خبر در آن قبول بیکر دو و خداوند بخت را نظر میکند بوی  
روزی و از آن و عبادت کند کار از اینها پس عبادات میکند و اینها  
با حاکمان عرش پر در فضیلت روزی هر روز اینها افتد و فرمود  
که ذکرش موجب غفور و رحیم است و پسندیدند از حضرت  
صادق علیه السلام گفت که روزی شعبان خیرترین است از  
روز قیامت و هر روز که در ماه شعبان روزی بسیار بیکر و البته  
خوشه ام معیشت او را با مصالح بود و کتاب که در شهر و شعبان  
او را و کثر ثوابی که بر وقت دارد و روزی از شعبان میدهد و شش  
او را واجب کرده و پسندهای منیر از آن حضرت منقول است که  
حضرت رسول فرمود که شعبان ماه عدت و رمضان ماه  
خداست پس هر که یک روز از ماه من روزی دارد و شش او را  
در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزی دارد که همان گذشت  
از امر زین شود و هر که سه روز از ماه من روزی دارد او را این

ک

کند که عمل را از سر که یعنی هیچ کاری ندارد و پسند خدای تعالی  
امام رضا منقول است که هر که یک روز شعبان را از برای خدا و روز  
بدارد و اهل بهشت شود و هر که یک روز شعبان عفتاد و شش  
کند در قیامت و در شرف حضرت رسول و معشور شود و کراختن  
خدا او را واجب کرد و هر که در شعبان نصفه میکند اگر چه  
بنصف یا شریف باشد خدا بداند از اینها و هر که در آن روز  
هر که سه روز از آن شعبان روزی بدارد و وصل کند با مومنان  
خدا او را روزی دو ماه متصل بر او و یوسف و این یا یوسف و یوسف  
کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول  
نموده از ماههای دیگر روزی بیکر گفت ماه شعبان را و بیشتر  
که مردم از آن غافلند و اینها است که در آن ماه عملها قبولی خدا  
بالا میرسد و دوست بدارم که عمل من بالا رود و رفیق که روزی  
باشم و بشارت و این کرده است که از آن حضرت پرسیدند خداوند  
رجب فرمود که چرا غافلید از روزی شعبان یعنی افضل است از  
و انبساط و رفاقت کرده است پسندیدند از حضرت خیر الانبیا  
که فرمود که شعبان ماه عدت هر که یک روز از ماه من روزی  
بدارد و شش او را واجب شود و هر که دو روز از ماه من روزی دارد و

فماست از دینان بچهار صد بشارت باشد و هر که نام ماه  
روزه دارد و چون کند ماه رمضان تو به او باشد از کاه کوبد  
و بزرگ هر چند داخل خون حرامی شدن باشد که او را فتح میدهد  
و پسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که  
سه روز از ماه شعبان روزه دارد بهشت او را واجب گردید  
و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او باشد و با شهادت است از حضرت  
صادق علیه السلام روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشود حضرت  
امام زکریا علیه السلام با احتیاج خود را جمع می نمود و میفرمود که این است  
من بعد از این ماه چه ماهیست بنام شعبان است و حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم پس روزه بداد و بدو بنام  
از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود  
بخوان آن خداوندی که بار حق تعالی را بر ستاوست سو کند  
یا دیگر که شنیدم از پدرم حسین علیه السلام که گفت شنیدم از امیر  
المؤمنین علیه السلام که هر که روزه دارد شعبان از برای محبت پیغمبر خدا  
از برای تقرب بخدا خدا او را دوست میدارد و نزدیکی گرداند  
بکرامت خود و در روزه است و بهشت از برای او واجب گرداند  
و با شهادت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم که ماه شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه  
خداست پس هر که ماه را روزه بداد و من شفاعت کند او را در  
روز قیامت و هر که روزه بداد ماه خدا را حق تعالی مونس او  
گردد و در حشت قبر او را نماند ندارد و از قبر پیروز آید و در قیامت  
تا روزی سفید بوالابی و تا احوال او را بدست او دهند و نامه  
خلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را  
نزد عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی او را ندا کند ای بند  
من او بگوید ای کمالی خداوند من پس خدا گوید که روزی داشتم  
از برای من گوید ای ای قای من پس خداوند جلیل ندا کند  
علاء که را که بگوید دست بند مرا بر دین پیغمبر من پیوسته است  
او را بر من من او بگویم ماه مرا روزه داشتی او بگوید ای من  
بگویم با و که مرا روزه شفاعت تو بگویم حق تعالی از برای او که  
من حقوق خود را به یکد خود بخشیدم اما حقوق خلق من را که  
از او عفو کند من انقدر عرض با و میدهم که او را جوی شود پس  
من دست او را بگیرم و بیاورم بر صدر اطلس من صراط لغز  
است و مبلز و پای کاه کاران بران بند پیوسته است  
او را بگیرم و بگویم که سوگند است بر صراط گوید کیست این مرد من



گویند که این فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مبارک روزه گرفته  
است با شید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است از برای  
طلب وصال خدا پس او را از فضل طاعت بگویند و از بیعت خود با او آنگاه  
او را بدرجهت برسانند پس رضوان گوید که امر روزی که در دنیا  
برای عاقبت قوی گشتاد و او را از داخل بهشت بدر حضرت امیرالمؤمنین  
فرمود که روزه بدار و بدماه حضرت رسالت را از او شایسته نگذارد  
در قیامت و روزه بدار و بدماه خدا را از او بپاشا میدار و شراب هر روز  
بهشت **قصه** در دنیا را تا عالم برین تمامه شعبان است پس در شب  
از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه  
شعبان استغفار کند که عافش امر بین شود اگر چه بدو دست  
انسان باشد و در کمال حسن بر سید از حضرت صادق علیه السلام  
که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه معیت پرور باشد و بسیار  
بفرستد صلوات بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند  
نیز که چه چیز شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات بر او  
برآید او بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بهترین دعا  
در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار  
کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار

مرتبه استغفار کرده است مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود  
که بگو استغفر الله و استغفر له التوبه و یسند من حضرت امام رضا  
منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید  
استغفر الله و استغفر له التوبه و یسند من حضرت امام رضا  
از الشیطان و بکنانند او را از ضرر طواف داخل بهشت کلماتی  
در بندهای منبر منقولست که در هر روز ماه شعبان هفتاد  
مرتبه بگوید استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الحق  
القيوم و توب اليه و صفات روح او را در قیامت بگوید  
و در روز قضا و قضای و بیجاست در پیش عرش و در آن صفای  
نهرها جاریست و در آنجا از دستان نهرها است جد دست  
آسمان و در بعضی از دوا بابت الحق القیوم بخیر از الرحمن الرحیم  
و هر روز و هر شب و یسند من منقولست که حضرت امام ربین  
الغالبین در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب  
آن بن صلوات بر او میخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد و تحموا بنو  
و مؤمنی و الرضا و خلفائهم و عترة من بعدهم و اهل بیتهم  
الطیبة اللهم صل علی محمد و آل محمد و اهل بیتهم الطیبة  
الغایرة یا منقرضی و یا منقرضی من قرنها النعمان لهم ما رقی





































وفي جميع الأحوال المتواضعا لله تعالى استغفار شوال من  
 الشكوك فاقته وانزل اليك عند الشك فيك ما جئت به عظم قبيحا  
 عندك وعينه الله عظم سلطانك وعلمك انك لا تحصى  
 شكره وقهره امره وقلب قهره وسرته قد رزقك ولا تكبر  
 الفرائض بحكمك انك الله عز وجل لا اجد لدنوي غافرا ولا لغيرك  
 سائرا ولا لشئ من عتيد التبع بالحقين مستورا ولا لغيرك  
 الا انك سبحانك وعجل لقلبك فني وتجرأت في جعلي و  
 استكنك الى قدمي في شكره لي وقد علمت ان الله عز وجل لا ي  
 كرم في جميع سرته وكرم في خارجها لا اقلته وكبر عظمي  
 وقبته وكرم في كرمه وكنت وكنت في جميع الشاغل لا  
 كثرته الله عظم بلائي واقرط بيوته حالي وتحدثت في غلابة  
 وحبتي عن نفسي بعد امان الى وعد عيني الدنيا بغيرها ونفسي

و

فينا فيها ويطا الى السيد في استغفارك بغيرك ان لا يحجب عنك  
 ذنابي من عجل فينا الى ولا يفضحني بغيري ما اظلمت ظلمتي  
 يترى ولا يظلمني في قلوبك على ما علمت في عاوان من يوت  
 فينا في استغفاري ودام تفرط في حماي في كرمه وهو الي و  
 تحفل في كرم الله عز وجل فينا في الاخوال كلها قد علمت  
 في جميع الامور عظموا الي في قلوب من في خبرك انك كنت  
 خزي والظلم في امر في الي وتولا في اجرب على حكم  
 انك في موهبة نصيبك في اخر من من في عيني قد رزق  
 فخر في ما اموي فاسعدك على ذلك الفضل فينا وذكرك  
 بما جرى على من ذكرك بقدر خدائك وخالفك بقدر الي  
 فالتحذ على في جميع ذلك ولا تحجة لي فيما جرى على في غيرك  
 والزمي حكمك ولا اذ لك في ذكرك بالحق سدا في نصيبك و





الاخر تصيبك وانما ما يلف وتخطك وهذا ما لا يتصور له  
 القبول والارض سيدى كلفت بي ما عندك العبيد  
 القليل الخبير اليك الشكين بالحق ربه سيدى مولاي  
 لا ترى الامور اليك شكوتها منها الحق اكله العذاب  
 وشكوتها والطول البلاء ومدته فلان صبرنى في الصواب  
 اعادتك وجمعت بينى وبين املاكك وفترت بينى وبين  
 اجناسك واولئك عسى بالحق سيدى مولاي قد  
 صبرنى على خدائك كفى حين عظم ذكرك وحبى صبرنى على  
 حرارة كفى صبرنى على الظلم لا سكرانك ام كفى شكر  
 في النار وعبادى عقوقك وحرارة سيدى مولاي انتم  
 صاودا لئن مررتنى فاطفا لا يخرج اليك من اعلىها صبيح الايام  
 ولا صبرنى اليك صراخ المستجيرين ولا يكون عذابك بكاء

الذليل

العايد بين ولا تاريتك ان كنت بالحق المومنين يا غياثا الى الملائكة  
 يا غياثا الى الشقيين يا حبيب قلوبنا الصاوين يا الله العالمين  
 اقترأ لك سبحانك بالحق يجل لك تمنع فيها صوت عبدك يجر  
 فيها خطا لغيره وذا طعم عذابا محببه وصبرنى على كل ما فيها  
 يحرمه ويحرمه وهو يفتح اليك عجب قوتك لرحمتك وبنائك  
 ليس انما قيلت وحيدك وتوسل اليك برؤيتك يا مولاي  
 فكيف ينبغي في العذاب هو خروا سلف من جلتك وتلقاك  
 ودعيتك ام كفى بحرمة لهما وانت تمنع صوتك وترى مكانه  
 ام كفى كفى لقلبك وبقدرها وانت تعلم ضعفه ام كفى لقلبك  
 بحرارة لهما وانت تعلم حدة ام كفى زينة وانها وهو  
 بناء لهما ان كفى برحمتك في غيبه منها فتركة منها  
 مهيأت ما ذللك لظن بك ولا المرفق بفسادك ولا مشيه

قوليه انارو  
 هو يا بل ضلله  
 ورحمتك  
 اكبت





الحمد في حجبك والقدام في الارض الى جلدك حتى امرج الى الله  
 فبما دبر الشافين والبرج اليك في المبادرين واغدا الى فرج  
 في الشافين واذا توذيت ذنوب الخاطئين واغدا لك عاقبة المؤمنين  
 وانجم في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن اراد في يومه كاذبا  
 ومن كاذب فمستحل واجلني من احسن عبادك عبيدا  
 عندك واقره يومئذ الامم بك واخصهم الله لك انك واقره  
 بنال نال الا في فضلك وجل في مجودك واغطف على جلالك  
 واغطف في ريمك واجعل لسانك في كرك ليليا وقلبي بجملك  
 استبها ومرت على بحسب اجابتك واقلني عقرني واغفر لي لاني  
 قاتلك فصبت على جلالك بعنادك وامرهم بذا نكرو  
 ضمنت لهم الاجابة لك باليك باثرت نصبت دجج واليك با  
 ريت مكدت بلدي في ريتك استجيب دعا في وبلغني مني

ولا تشطع من فضلك رجائي واكبح عن الرجز والافس من اعداء  
 بهتج الرضا الخبز في لا يملك لا الله واغدا فاكف عقالنا  
 تاير لانه ذنابة وذكروا غفارة وطاعة عني ارحم من راس  
 ما ليعا الرضا وسيل الله البكاء اسلم في التيم باذبح التيم بانور  
 لستو حيتري في الظلم باعالي لا اتيكم حيل على محمدا والي محمد  
 افضل بمانت امله وصل الله على رسول الله والائمة المبشرين  
 من الله وسكن قبليما **مختار** در بيان حال بستانه ما ماسان  
 حضرت امام رضا منقولست كه هر كس بعد از اتمام شجره  
 روزه بداند و بخواه مبارك طوركند و حق تعالى ثواب دهده  
 ماه متوالي بزي او بوييد و بواضعت هر روز يك بار  
 است كه در جمعه ماه شعبان بخوان بخداست حضرت امام رضا  
 و فرمود حضرت فرمود كه اي ابو القاسم كه ماه شعبان رفت  
 و اين جمعه آخر است چه نكاري كه و تلافي كن در آنچه از اين ماه  
 مانده است تعبه ها را كه در اين ماه گذشت ان شاء الله و برقر











نمایند خویشان خود را و نگاه دار بدین آنها و خود را از آنچه نباید  
گفت و بپوشید و بدینهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر  
کردن بسوی آن و باز و اینها که شما را از آنچه حلال نیست  
شما را نشاندن و در هر حال که بپایان مردم نامهرانی کند  
بعد از شما بایستد آن شما را از آنکه بشود خدا از کلمات خود  
و بلند کند بشوی خدا دستهای خود را بدینا و او قات غایبها  
خود نیز اگر وقت نمازها بهترین ساعتهاست نظری یک بخوان  
در این اوقات بر خست بشوی و در کمال خود و جواب بگویم  
ایشان را هرگاه او را مناجات کند و بگوید یا ایشا ترا هرگاه  
او را ندا کند و مستجاب میگردد هرگاه او را صدا کند ای گروه  
مردمان بدو سبب که جانهای شما در گریه های شماست  
آنکه او را و بدو بدین طلب از رخسار خدا و پشیمانی شما اگر آن  
بار است از کلمات شما پس سبب که او را بدین طول دادن چنینها  
و بدیند که خوانی سو کند یا ذکر کرده است بهر نزد خود  
که عذاب نکند نماز که از آن بگذرد و چون کند که از آن بگذرد  
با شریعت و در وقت است هرگاه از شما انظار نماید و وقت نماز  
نزد ایشان از برای او بخواند و بنزد خدا ثواب بند او را و گردن

و اگر از شر کلمات گذر شده پس بعضی از خطای گفتن یا رسول الله  
ص که در وقت بر این نماز بر حضرت فرمود پس بپایان از آن چشم افکند  
فرمودن روزی داران اگر چه بصف و اینها را باشد اگر چه بد  
شر باشد بدینستی که خدا این ثواب را بدینا دهد کسی را که  
چنین کند اگر چه غافلانه از این باشد و اینها را اناس هر که  
خلق خود را در اینها بیکو که از آن بدین صراط بگذرد و در روزی  
که تمامها در آن لغز و هر که سبب که از آن در اینها خدمت  
فلازم و کبر خود را حقها را در قیامت حساب او را بشمار  
که از آن هر که در اینها از خود را از مردم باز دارد و حق تعالی  
در قیامت غضب خود را از او باز دارد و هر که در اینها بدین  
بپاید و اگر ای خدایا او را در قیامت کرامتی دارد و هر که  
در اینها صلوات و احسان کند یا خویشان خود را و صلوات  
او را بر حق خود و هر که در اینها قطع احسان خود از خویشان  
خود میکند خدای عزوجل بدین قیامت قطع رحمت خود از او  
بکند و هر که نماز استی در اینها بکند حق تعالی برای او عزات  
بپزاید از آن چشم بپوشد و هر که در اینها نماز بجای آید  
کند خدا عطا کند او ثواب هفتاد نماز واجب که در آنها



در کج کرده شود و هر که در این ماه در این صلوات فرستد  
 و آن من خداست بکس که در آن روزی عمل او را در روزی که در آن  
 اعمال سبک باشد و کسب کند یا از قرآن تلاوت نماید و آب  
 کهنه خاشنه باشد که در ماههای دیگر خرم قرآن کرده باشد  
 آنها الناس بدوستی کرده و در ماهی هشت در این ماه کفاده  
 است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما بنده کند  
 و در ماهی هجتم در این ماه بنده است از خدا سوال کنید  
 که بر شما تکلیف و شباطین را در این ماه خلعت بکشد پس سوال  
 کنید از خدا که هرگز بر شما تسلط نکند و ان شاء الله تعالی  
 امیر المؤمنین هم منقولست که در ماه رمضان خطبه خوانند  
 و فرمودند آنها الناس این ماه است که خدا آنها را بر سایر  
 ماهها فضیلت و تبارقی داده است مانند فضیلت ماه  
 اصل یعنی بر سایر مردم و در این ماه کفوده می شود و در ماهی  
 است و در ماهی هجتم و در ماهی رحمت و بنده بنویس  
 در ماهی هجتم و در این ماه شنید می شود نذاهای مؤمنان  
 و مستجاب می شود و در ماههای ایشان و در جمیع کسند  
 که آنها را پیش از او در این ماه شبی هست که در انشب

مکمل

مکمل که از اسنان بر زمین آید و سلام بکند بر مردان و زنان  
 روزی که در این صفت برود و کار خود را طالع صیوان شب  
 قدر است که خوش طالع می شود کرده است در انشب و لایست  
 و امامت را پیش از آنکه آدم را خلق کند بدو هزار سال عبادت  
 انشب بهتر است از عبادت هزار ماه آنها الناس بدوستی  
 که آنها به امامه رمضان و ماههای آن طالع می شود بر مردان  
 زنان و در ماهی رحمت و اینها شفا مانده ماههای دیگر نیست  
 و در ماهی هجتم و در ماهی رحمت و شباطین بهتر است  
 و در ماهی و شباطین داخل کرده و در روز نذر و می کنند  
 و در ماهی رحمت و در این ماه و در ماهی رحمت و در ماهی رحمت  
 حاجیان زینت الله را و در این ماه خوش طالع و می کنند و در این  
 ایمان را بر سرش و در روزی و در ماهی رحمت و در ماهی رحمت  
 خداوند عز و جل ای روزی که در این ماه و در ماهی رحمت  
 بدوستی که در این ماه مهسان برود و کار خودی نظر کن  
 نامل نما که چگونگی خواهد بود در شب خود و در روز خود و چگونگی  
 نگاه میداری اعضا و جوارح خود را از مصیبت های پروردگار  
 خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزی ها غافل از

با خدا بنیاشی پس بر روز ده ماه و کاهان تو بر توانی ماند  
 باشد پس در هکاه کی روز دوازده ماهی خود را کردند  
 توان چله نایان کاران باشی و در حق که بکرامت آید خود  
 غایب کردی توان چله عمری مان باشی و در حق که معاد است  
 مست کردند بخواریت و سنان پروردگار خود توان کردند  
 شدگان باشی ای دهنه دار اگر ترا آقایی توان نگاه بگرزاند  
 بکدام درگاه و خواهی آمد و اگر محرم کردی اندر پروردگار  
 تو که روزی خواهد داد ترا و اگر ترا خوار کند کی ترا گزاهی  
 خواهد داشت و اگر ترا از لیل که نماند کی ترا جز بخواهد  
 کرد و اگر ترا از کار که نماند کی خواهد کرد و اگر ترا از نگاه  
 خود قبول نکند بدی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد  
 و اگر از لغزشها و کاهان ترا بپایان رساند بدی خواهی داشت  
 از لغزش کاهان و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانید از تو  
 طلب نماید چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزگار و غریب  
 بجوی یسوی خدا بپایان کردن کتاب خدا در شبها و روزها  
 اینها و بپایان که کتاب خدا شفاعت کند البت که شفاعت او را  
 قبول میکند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که نماند

نکته

او کرده اند پس بالامهر بنده بر درجات بهشت بقدر تلاوت با نماند  
 قرانی روزگار و شادان با نماند که هر شبی که در اینها میگذری تو  
 بشی و در شامها از تو بپسند و خواب تو در اینها عبادت است  
 طاعت تو در اینها مقبولست و کاهان خود را بپایان امری بد  
 و از اینها ای خود را بپایان بدو شنید شد است و معنایان و  
 زاری که با خدا میگوید بر تو رحم میکند بدو شب که شنید ام از  
 حبیب خود حضرت رسول که خداوند عالم است و در شبها از  
 شبهای ماه مبارک رمضان را از کرده ها هست از این چشم  
 که عدد ایشان را بنظر خدا که بپسندد اندر چو شبها بر ماه می  
 شود و در آن شب میامرزند مثل آنچه در تمام ماه از این است  
 و بعضا از حضرت امیرالمؤمنین که فرمود هر که ماه رمضان را از  
 بپایان و در حق خود را از اینها که خدا حرام کرده است نگاه  
 دارد البته بهشت بر او واجب گردد و هر که در اینها روزگار  
 دارد و در هیچ شبها از اینها که خدا حرام نکند البته  
 داخل بهشت شود پس حضرت امیر فرمود که شبیدم از سید  
 انبیا که فرمود که بهترین از اینها بخیر در بهترین ماهها است  
 خواهد شد که ششم که بهترین ماهها کدام است و بهترین آن



کیت فرمود که بجز نمازها ماه رمضان است و بجز نهار  
صبا تا غروب و بجز آنکه در روزهای ماه رمضان است  
بلای چون برود کارم بدست که بر آنکه من میبشود بدست تریز  
اشمن بخت بی کشدن تا آخر صبح و ضربی بر سر تو خواهد  
زد که در پیش تو از خون سیرت خضاب شود و هر مردم شروع بکبر  
و غنان کردند و حضرت از منبر برآمد و ایضا از حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله است بندگانهای منبر که فرمود ایها الناس  
هر که دارد شود بر او ماه مبارک رمضان چیر و روزی روزان از آنکه  
بخان و عبادت قدر و قریب از شب آوازها را و آوازها را و او را  
تفصیل بخان آورد و مبادرت بخان میدهد آن و بامداد بخان  
بخان حاضر شود و در آنجا خواهد بود و شواب شب قدر  
و بامداد میگردد بخانها و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای او  
نماند بخششهای بندگان نیست **فصلی** در بیان حقیقت  
روز است آنچه در آن معتبر است بدانکه از آنرا شستن  
خوردن است از چیز چندی که روزی را میبشکند از طلوع صبح  
تا بر طرف شدن سرخی از جانب شرقی تا بر مشهور اینها نشان شد  
قرص افتاب یعنی بر طرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات

خبر نموده و قول اول احوط است بآنکه شب چیر باید که بداند  
آنچه را با آنکه تواند کرد و چون میان خلایف اختلاف بسیار  
است در اینها اگر قصد کند ترک هر از برای رضای خدا  
طاهر کانی باشد تا بهتر آن است که آنچه سبق باشد و چون ترک  
آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلایف باشد قصد  
ترک آنها کند اخینا طاهر آنچه بدو غرض کرده باشد قصد ترک  
انها کند سیخیا و اگر قصد ترک جمیع چیزها را ضم کند بهتر  
و اما آنها که واجب است ترک آنها کردند **فصلی** در بیان خوردن  
و چیزهای شایب راست و چیر که خوردن و شامیدن آن  
معارض و معناد باشد در آن خلایف نیست که بمطل صوم است  
و موجب فضا و کفاره هر دو میشود و اگر بعنوان معناد مجزیه  
و اگر غیر معناد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش یا بینی یا  
و مجلفن داخل شود حکم خلافت و خوردن و شامیدن چیر  
چند که معناد مردم نباشد خوردن و شامیدن آنها مانند  
سنگ و چوب و خاک و کاهها و آب فخره شدن از کاههای  
غیر معناد و اظهار نیست که اگر بعنوان معناد باشد اجنباب را  
واجب است و احوط آنست که اگر بکند فضا و کفاره بعمل

آوردن **تیم** جماع کردن در قبل از استیلا طلقاً خواهر از او شود  
و خواهر نه و طفل آن موجب فضا و کفایت میشود و بی خلافی و  
جماع در روزن هر که از آن شود روزن را باطل میکند و فضا  
و کفایت لازم میشود و مشهور است که جماع در روزن باطل  
نیز مبطل صوم و موجب فضا و کفایت است و بعضی مبطل  
عید اند و اولاً قوی است **فصل** در بیان مندن بر جنب است واجب  
و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب فضا و کفایت  
است و بعضی مبطل ندانند و بعضی قضای تیماء واجب  
ندانند و احوط آنست که اگر زن با بصر یا ای شود  
از صبح غسل کند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند  
بعد از صبح و آن روزن را روزی بدارد و فضا نیز بکند و اگر غسل  
نکند و با شد احوط آنست که تیمم کند و تیمم را نشکند تا صبح  
بشود و خواب اول بعد از جنب است در حالی که نیت غسل باشد  
باشد و احوط آنست که بپوشد و در جایز است و مشهور آنست  
که تا صبح بپوشد و قضای آن روز نیز بر او واجب نیست  
و بعضی واجب دانسته اند و احوط است و مشهور آنست  
که اگر بخوابد تا صبح نیت ندانسته باشد بر او فضا و کفایت

لازم

لازم است و این احوط است اگر در واپس بخش صحت و مشهور  
در خواب و تیمم موجب فضا است و اگر قوی است بلکه  
خلافی در آن ظاهر نیست و یکی از اصحاب اعتقاد است که  
در خواب تیمم واجب هرگاه صبح رسد فضا و کفایت هر دو  
واجب است و اقوی عدم وجوب کفایت است و بعضی از آن  
را اعتقاد داشتند که خواب بعد از بیدار شدن از احلام حکم  
خواب و تیمم دارد چنانچه والد مرحوم ضبر اخبار نموده و این  
احوط است بلکه خالی از غرض نیست بدانکه در روزهای  
خبر ماه رمضان نیز ظاهر است که آیا تیمم واجب یا نه و باید و خبر  
اینست که در قضای طهارت و وضو تیمم واجب نباشد و  
در غیر فضا احوط آنست که اگر در صبح طهارت باشد واجب  
معتبر نباشد و آن بعد از روزن ندارد و اگر معتبر نباشد آن روزن  
نیت بدانچه فضا نیز بکند تا اگر عدل کرده باشد در وقت  
که گذاره در مکان نباشد و اگر بپوشد احوط است و در وقت  
سخت بر جنب است اگر عدل نماید تا صبح و پیش از زوال غسل کند  
و نیت روزن بکند بجان تطهر و نیت اش صحیح است و در وقت واجب  
معتبر اگر عدل نیت را ترک و پیش از زوال نیت کند مشهور است



که در وقت اش باطل است و فضا سبکتر و کثاتر و واجب نیست بود  
 و اگر از قوی غلبه شود ثقیب را بر او گذارند از ازل ثقیب است و میتوان  
 کرد و در واجب غیر معتبر تا از ازل ثقیب است و اگر چه غلبه  
 ماله و فضا آن باشد و در وقت سبک خلاصه نیست که اگر در وقت  
 ثقیب نکرده باشد و مضطرب بماند یا آورده باشد تا ازل و ثقیب  
 ثقیب میتوان کرد و بعد از ازل خلاصه است بعضی گفته اند  
 تا از ثقیب فضا ثقیب میتوان کرد و جمیع از تحقیقین علماء باین  
 قایل اند و نیز در ثقیب قوی است و بعضی گفته اند بعد از ازل  
 ثقیب نمیتوان کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از ازل ثقیب کند  
 ثواب و در وقت تمام و بعد از ازل و اگر بعد از ازل ثقیب کند  
 ثواب و در وقت بعد از ثقیب تا تمام از محال بود **مستحق** و سبک در وقت  
 نابط است بخلق و بعضی از اهل موجب فضا و کثاتر واجب دانسته  
 و بعضی فضا را بخواه بکمان خبر بطل نیست و احوط رعایت  
 مشهور است و بعضی از علماء اخیرین گفته اند فضا را غلبه  
 و در غلبه و غلبه و غلبه که از آن اجزا تفصل شود چون در  
 توری و غلبه و غلبه و غلبه بطلان است و احوط اجتناب  
 حتی از و در دنیا که **مستحق** است یعنی طلب از غلبه

کدر

کردن با حصول آن و موجب فضا و کثاتر است و مشهور است  
 که هرگاه ماله و ماله و ماله و ماله و ماله و ماله و ماله و ماله  
 شود و فضا و کثاتر لازم است و بعضی باین نامثل نموده اند **مستحق**  
 و ثقیب که ثقیب بطلان خود باشد و ماله و ماله و ماله و ماله  
 بلکه از قوی و موجب فضا و کثاتر است مطلقا و در نظر کردن  
 حلال و حرام یا صدای او را شنیدن یا بفضایل خود در آوردن  
 هرگاه یا عشاء آمدن یا عشاء شود و فضا و کثاتر باشد و یا عشاء  
 باشد و خلاصه است و اظهر عدم وجوب فضا و کثاتر است  
**مستحق** و در وقت و اکثر موجب فضا یا ثقیب است و بعضی  
 فضا و کثاتر هر دو را واجب میدانند و بعضی هر یک را واجب  
 نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب فضا یا ثقیب یا غلبه  
 از فوق نیست و مشهور است که هرگاه ماله و ماله و ماله و ماله  
 فضا یا ثقیب است و بعضی فضا را واجب دانسته اند و باین قول  
 ضعیف است **مستحق** و گفته است و بعضی موجب فضا و کثاتر  
 دانسته اند و گفته اند ما ندانیم که فضا یا ماله و ماله و ماله و ماله  
 مطلقا مکرر دانسته اند و باین قول قوی است و احوط اجتناب  
 که در وقت غلبه و غلبه یا ماله و ماله و ماله و ماله و ماله و ماله و ماله و ماله

و انچه است چنانکه دیدن در او در گوش موجب فساد و صوم نمی  
 شود و سقوط درین هرگاه تعدی بخلاف آنکه انچه است  
 که جایز است و بعضی موجب فساد و کفایت داشته اند و اگر محقق  
 رسد احوط آنست که در دفع گفتن بر خدا و رسول و امام  
 هدی صلوات الله علیه است بآنکه حدیث دروغی نقل کنند  
 مسئله خلاف را فحش گوید بلکه کسی که اهل بیت باشد گفتن دروغ  
 باشد عتله بگوید در حدیث آن کسی نیست و بعضی دروغ  
 موجب فساد و کفایت میدانند و بعضی میگویند موجب فساد  
 صوم نمی شود و خالی از عقوبت نیست و اگر بکند فساد و کفایت  
 برسد **در** هر فرمودن در اینست و بعضی از موجب فساد و کفایت  
 میدانند و بعضی موجب فساد و کفایت میدانند و بعضی خالی  
 و بعضی موجب عتله میدانند و بعضی مکرر میدانند و ظاهر  
 حرمت و عدم وجوب فساد و کفایت و بعضی گفته اند که اگر سر  
 نابسته و بره تا گردن بدن برهنه باشد از حکم ایستاده  
 و این احوط است و بعضی گفته اند که اگر فرموده باشد سر را  
 در حله هر چند ثابت میسر بود باشد از حکم ایستاده و این  
 احوط است و احوط آنست که در دروغ سخت سرزنش باشد

نبرد و بعضی میگویند که در احوط آنست که **بعضی** که از سینه  
 بر آید از خدای فرموده بدو در فرمودن آن عتله از سینه  
 اولی جز از اینست و بعضی میگویند که از سینه مادام که از بدن  
 متفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر و در جواز اینست هر چند  
 قسم مادام که بدین رسد و در اینست هر چند هرگاه بدین  
 برسد هم جواز کشید از سینه و سر و جواز فرمودن مادام که  
 از بدن جدا نشود و بعضی میگویند که در کفایت آنست که بعضی  
 بعضی ایستاده باشد و بعضی گفته اند و این واجب میدانند  
 و بعضی گفته اند واجب فایده اند و کان فایده است که هیچکس  
 لازم نمی شود و اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بعضی از بدن  
 پنهان فرموده **فایده** شهوات است که بعد از آنکه بعضی از بدن  
 فایده و در اینست و بعضی گفته اند هرگاه تا گردن  
 بدینست فساد و کفایت است و بعضی گفته اند و این لازم میدانند  
 اند و احوط ظاهر است و در غایت فساد و کفایت و بعضی که از سینه  
 فرموده بعضی جواز فایده اند و بعضی موجب فساد و کفایت  
 و ظاهر جواز است و شهوات است و احتیاط آنست که اگر کسی کان  
 داشته باشد که شبیه نیست بلکه اگر شایسته باشد باشد





و غیبت مکنید و عیال و له مکنید و نوکند و روح بخورید  
 بلکه سوگند راست نیز و دشنام بدید و بخش بگوئید و ستم  
 مکنید و بخورید مکنید و نه لنگ شوید و غافل شوید از یاد خدا  
 و از نماز و خاشوعی باشد از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راست گو  
 یابند و هر دو یکی از اهل نماز و اجتناب کنید از کثرت خوردن و  
 و اعتدال و خصوصیت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن  
 سفر چینی کردن و خوردن مشرب بر آخرت و باید و منظر فرج و طایفه  
 قاتل و محترم باشد و از دست و قویهای آخرت باشد و نوشته  
 اعمال صالحه برای آخرت بر زبان برده و برشته باد و آرام دل و آرام  
 من و خصوص و خوشح و شکستگی و مددک و شل و نه که از آن قوی  
 خود ترسد و رسان باشد از عذاب خدا امید و امید باشد و  
 او را باید پالک باشد دل قوی روزی دارد و از عیبها و باطن  
 نواز عیبها و مسکرها و پاکیزه باشد بدندان که آنها و بر آن  
 بصورت بیوی خدا از آنچه غیر است و در روزی و کاتب خود  
 خالص که باطنی از او و موافق با حق از آنچه حق باشد و نه کرده  
 است از آن در لشکرها و بچهان و بر روی از خداوند و آنها را آنچه  
 سزاوارتر سپید و ناز و است و در بچهان و لشکرها و بچهان روح و بدین

خود و آنجا ای عزیز و جل و دایم روزی خود و فارغ کردانی دل خود را  
 از برای محبت و وفاداری و بدین خود را بکار و فرمایانی در آنچه خدا  
 ترا امر کرده است و این و خوانده است بوی آن اگر چه از اینها  
 بعمل آوری آنچه سزاوارتر روزی داشته است عمل اندک و فرمود  
 خدا را اطاعت کرده و آنچه که گنج از اینها گمیان کردیم از برای  
 تو بقدر توان روزی خود که پیشود از فضل آن و توان میان و بدین روز  
 که بدیدم گفت که از روزی خود را حکم خشنیدم که فرج و روزی روزی  
 جاره خود را دشنام داد حضرت طعانی طلبید و از روزی را  
 گفت که بخور گفت من روزی ام حضرت فرمود چه گوید روزی و  
 جاره خود را دشنام داد بی روزی از خوردن و آشامیدن  
 آنها نیست بدست که از فعلی روزی را جای گریز نیک از سایر  
 امور و قیامها را که زیاده و کثرت از چه بسیار که از روزی و از آن و  
 بسیار که از نیک که شدگان و حضرت را بسیار از اینها و نه غرض  
 که چه بسیار روزی داریم که بهی نیست و از روزی بفرستنی  
 و کسکی و چه بسیار از آن گفتند که نیست و از اینها و نه غرض  
 بفرستنی و خوش خواب و بزرگان که بهی از بیداری و عبادت  
 احقاق است و خوشنا اظهار کردن و بزرگان که بهی از روزی و نه غرض





باد نسبت که در اوضاع یکدیگر قرار او استغفار و محبت میکند گاهان نیز  
 و در این حضرت تمام شصت و نه در شب اول ماه رمضان منقول است  
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب اول ماه رمضان  
 نماز شب میان نایاب باشد از تمام آن حضرت یکدیگر گاهان را از او  
 بخیر و مانند بکار از درختان و از گاهان در هر روز یکدیگر مانند و در  
 کازر از او منقول گردان است و ثواب حج و عمره و غل و اوطاع کند  
 و این از آن حضرت منقول است که هر که در هر شب ماه رمضان  
 سوره الفاتحه را در میان نافه بخواند و از آن نافه بخواند و در هر شب  
 و در هر شب دیگر از آن حضرت منقول است که هر که در شب اول ماه رمضان  
 دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از دو رکعت سوره الفاتحه بخواند  
 و سؤال کند که حق تعالی از او کجاست شری و یکدیگر و از او کجاست  
 کند از آنچه بهتر شد و از آنچه خطا کرد از آنجا که او در هر روز  
 نماز را نشسته بنشینان کرد و سوره الفاتحه را از نافه بخواند و  
 اگر در شب اول نیت در تمام ماه را یکدیگر از هر شب نیت یکدیگر  
 بهتر است و نیت چنین میکند که قصد یکدیگر که هر روز در تمام  
 رمضان نماز و واجب غیر از آن الفاتحه در دو رکعت اول ماه رمضان  
 که غسل کند و آب جاری و سجده کتاب بر سر بریزد و از حضرت

[illegible]











انظار بگویند اللهم لك حجت وعمل بذكرنا خطرت وعلمت انك  
 تاحدا عطا كند بنو قلاب هرگز ناکه در این روز و روزن داشته است  
 و در وقت دیگر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست  
 که در وقت خطا رفته و انوایه شب شد و چون خوابید که داشت  
 می گفت لا اله الا انت سبحانک انی کنت اظلم من الظلمات و انت ابرار  
 التبیح العظیم و در حدیث معتبره وارد شد که حضرت رسالت  
 پناه خطا رسید که در غرنا و اب با هر طریقی و در حدیث دیگر  
 منقولست که آنحضرت در وقت خطا را بنده بجزو می فرمودند و اگر  
 نیامدند به نیت یا خدایا غرنا خطا رسید و اگر حاضر  
 نبود یا بجهنم کرم خطا رسید و می فرمودند که یا بجهنم کرم یا که می کند  
 مکتون را و قوه میدهد حدیث را و بنای بر نیت می کند و اگر گناه نرایی  
 شود و عین را ساکن می گرداند و صفای غالی را فرو می برد  
 و قطع میکند باطن را و اطعای عزارت می کند و صدای را بر طریقت  
 می کند و امین از حضرت رسول منقولست که بر غرما می جلا  
 خطا را که قلاب نمازش چار صد بار بر صفا عفت کرده و از  
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که خطا را کردن واجب  
 گناهان دل را بشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر

تفسیر

المؤمنین دوست می داشت که خطا را بر ما بدین روز از حضرت  
 امام رضا منقولست که هرگز در وقت خطا را یک کرده نون  
 تصدیق کند بر سبکی خدا گناهان او را با ما مزد و قلاب یک بند  
 از او کرد و از فرزند او را خجسته و در نامه عمل او نوشته شود و بهر  
 احوال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن  
 است و بسیار باید خواند چون قرآن در این ماه نازل شده است  
 و در حدیث است که هر چه بر این ماه ریت و بهار قرآن ماه رمضان  
 و در ماههای دیگر در ماهی یک ختم سنت است و اخلاص شش روز  
 و در ماه رمضان هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز  
 یک ختم تواند کرد خوب است و در حدیث است که بعضی از ائمه  
 علیهم السلام در این ماه بجهل ختم زیاد می کردند و اگر هر یکی  
 توانست تا بر فتح مقدس اما می از آن روز و رسول خدا و فاطمه زهرا  
 سکونت الله علیه تمام دهد بیک ختم و انقضای عفت می کرد و وصول  
 بر محمد و آل محمد صلوات الله علیه تمام نمیشد یا با فرستادن و  
 استغفار و تسبیح یا دیگر و لا اله الا الله تسبیح یا با گفتن یا تسبیح  
 شب و روز و هر یک یا دیگر و در شبهای طایف ماه مبارک غفر  
 ستم است خصوصاً شب اول و یا نهم و هفدهم و نوزدهم





وانا الذين نرى العالمين الحمد لله على جليلة سديته على العالمين  
 على صفوه بعد فدايه وانه قد فعل طول ما ايدى عليه وهو قد  
 على ما يريد الحمد لله على ما فعلنا من الدنيا والآخرة في الدنيا والآخرة  
 والاكرام والفضل والافاضة التي بعد فدايتهم وقرب شفقتهم  
 الخواص من سائر الناس الحمد لله الذي لم يمتنع في ما فعله ولا يشبهه  
 بشاكلة ولا يظهر فيها احد فليس هو الا ارحم الراحمين وتواضع بغيره  
 العظماء على صفوه ما بعد فدايتهم الحمد لله الذي لم يمتنع في ما فعله  
 وكبر على كل عورة وانا انصبيه ونعظم الله على كل قدر  
 الجانية كما من موهبه عبيته وقد اعطاه من عظمته عظمه قد  
 كفا في كل ما هو في قدره اذ في قلبه حايه اذ ذكره في كل  
 الحمد لله الذي لا يمتنع في ما فعله ولا يشبهه ولا يشبهه ولا يشبهه  
 وله الحمد لله الذي لم يمتنع في ما فعله ولا يشبهه ولا يشبهه ولا يشبهه  
 وبعث النبي صلى الله عليه وسلم في كل نسل من نسله من اولاده  
 في فاضله من سائر العالمين من اولاده من سائر العالمين  
 صريح المستصحبين موضع ما جازنا العالمين من سائر المؤمنين  
 الحمد لله الذي لم يمتنع في ما فعله ولا يشبهه ولا يشبهه ولا يشبهه  
 ونجازهم في كل ما هو في قدره اذ في قلبه حايه اذ ذكره في كل

ولا يخلو من رزق ولا يزدن ولا يزدن ولا يزدن ولا يزدن ولا يزدن ولا يزدن  
 بحسن النون وهو من لا يمتنع في ما فعله ولا يشبهه ولا يشبهه ولا يشبهه  
 الله صلي على محمد عبد الله ورسوله وآله وصحبه وسلم  
 حبسك في حرك من عظمته وحافظه من عظمته ورسالة  
 افضل واخس من اجله واكمل واكثر ما في قاطب واظهر  
 واسخن واكثر ما في قلبه وازك وزك وزك وزك وزك وزك وزك وزك  
 على صلي على محمد عبد الله ورسوله وآله وصحبه وسلم  
 من سائر المؤمنين عبيدك ووليك واخي رسولك ومحمد على  
 خلفك وابيكما المكنى في ما اتقا العظم وصل على الصلوة  
 الطاهرة فاطمة سيدة العالمين وصل على سبط الرحمة  
 واياها الحمد لله الحسين سيد شباب اهل الجنة  
 وصل على ائمة المسلمين علي ابن الحسين ومحمد بن علي وجعفر  
 ابن محمد وموسى ابن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي ومحمد بن علي  
 محمد بن الحسين ومحمد بن علي ومحمد بن علي ومحمد بن علي ومحمد بن علي  
 صلوات كثيرة وآخيه الله وصل على علي ابن ابي طالب الفداء الموقلة  
 العدل والظفر وحده في كل سنة في كل سنة في كل سنة في كل سنة في كل سنة  
 انا الذين نرى العالمين الحمد لله الذي لم يمتنع في ما فعله ولا يشبهه ولا يشبهه ولا يشبهه

من عبادك والذين  
 ورسالة محمد  
 واهل بيته  
 عليك















عَلَامَةُ الصُّلُوبِ قَسْرُ الدِّبْجِ بِكَرْبِكَ وَتَوَلُّوهُ الصُّغُورَ بِجِلْدِكَ  
فَلَمَّا كُنَّا لَمَّا جَلَّ جِلْدُكَ جَبَّ عَلَيْنَا وَكَلَى عَفْوَكَ بَسْطَ فَلَاحُ دَلِيلِكَ  
وَيَحْتَفِي وَيُخْبِرُ إِلَى عَصِيْبَتِكَ حِلْمَكَ عَجَى وَبَدَّ عَفْوِي إِلَى إِفْلَاحِ  
الْحَبْلَةِ اسْتَرْعَلَنَ وَكُنْ غَضِي إِلَى الْوُفَى عَلَى عِلْمِيكَ تَحْسِرُ عَجَى  
يَسْتَدِينُ عَيْنَكَ وَيُعْطِيكَ عَفْوَكَ عَاطِلُهُ إِنْ كَرِهَ لِمَا فِي قَوْمِ الْفُلَا  
الَّذِينَ أَفْأَلُوا الْوُفَى بِعَاطِلِهِمْ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ  
إِلَى عَفْوَكَ الْجَلِيلُ إِلَى عَيْنِكَ الْعَرَبِيَّةُ بِرَبِّهَا عِلْمُ الشَّرِّ إِلَى  
رَبِّكَ الْوَالِدَةِ فَتَبَّ عَطَاكَ الْفُلَا بِكَرْبِكَ وَتَوَلُّوهُ الصُّغُورَ بِجِلْدِكَ  
إِنْ كَرِهَ لِمَا فِي قَوْمِ الْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ  
الْقَدِيمُ إِلَى عَيْنِكَ الْأَكْبَرُ وَيَحْتَفِي وَالْجَسَدُ بِشَفْعَةِ شَفْعَةٍ وَ  
بِرَحْمَتِكَ عِلْمُكَ إِلَى عَيْنِكَ الْجَلِيلُ بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ  
أَكْبَلُ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ  
الشَّرِّ وَالْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ  
كَرَّمَ وَأَفْأَلَنِي مَا فِي عَيْنِكَ الْجَلِيلُ بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ  
مَا الْكَلْبُ وَالْوَالِدَةُ كَرَّمَ بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ  
الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ  
عَنِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ الْيَوْمِ اسْتَرْعَلَنَ إِلَى الْفُلَا بِإِصْبَاحِ







[illegible]



عَلَيْكَ مُنْعَلِي قَدْ جَاءَ فِي رَوْحِي كُلِّ قَبْرٍ خَرَّتْ فَكَلْبُهَا مُطْبَعٌ  
 بِرَحْمَتِكَ مَرْفُوعَةٌ وَفَعَلْتُ بِرَحْمَتِكَ مَرْفُوعَةٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّكَ  
 لَمْ تَكُنْ عَلَى مَا تَعْلَمُ مِنَ الْبَرِّ عَلَى الْبَرِّ عَلَى الْبَرِّ عَلَى الْبَرِّ عَلَى الْبَرِّ  
 هَذَا الْكَلَامُ لَا تَكُنْ لَكَ إِنْ تَعْلَمُ مِنْهُ عَلَى أَرْضِيكَ وَمَا قَدْ رَأَى  
 لِيَا فِي بَارِي فِي حَيْثُ شَيْءٌ وَفَعَلْتُ وَمَا قَدْ رَأَى فِي حَيْثُ شَيْءٌ  
 وَأَجْسَادُ الْبَرِّ لَا أَنْ خَوْفُكَ عَلَى الْبَرِّ عَلَى الْبَرِّ عَلَى الْبَرِّ عَلَى الْبَرِّ  
 إِلَيْكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 أَتَى فَعَلْتُ بِأَوَّلِهِ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 وَكَانَ خَالِصٌ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 بِسَدِّ رَوْحِي عَلَى طَاعَتِكَ مَعْدُودَةٌ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 عَاقِبَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 أَلَمْ تَعْلَمْ مِنْ رَوْحِي طَاعَتِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 خَوْفِي إِلَيْكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 مِنَ الرَّاغِبِينَ الرَّحْمَنُ وَالْكَرِيمُ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 كَلَامُ رَوْحِي إِلَيْكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 بَارِي الْعَالَمِينَ وَالْحَيُّ الْقَيُّومُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ

لِيَا فِي طَاعَتِكَ شَيْءٌ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 لَوْ أَشَقَقْتُ مَا قَبِلْتُ إِلَيْكَ وَلَا تَرُدُّنِي بِرَحْمَتِكَ وَلَا تَقْبَلُنِي بِرَحْمَتِكَ  
 حَسْبِي وَأَعِظُنِي بِالْحَقِّ وَأَعِظُنِي بِالْحَقِّ وَأَعِظُنِي بِالْحَقِّ وَأَعِظُنِي بِالْحَقِّ  
 وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 رَحْمَتِي وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 وَلَكِنْ لِيَا فِي رَوْحِي وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 كَلَامُ رَوْحِي إِلَيْكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 فَلَا تَقْبَلُنِي بِرَحْمَتِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 خَرَّتْ فَكَلْبُهَا مُطْبَعٌ بِرَحْمَتِكَ مَرْفُوعَةٌ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 وَأَتَى فَعَلْتُ بِأَوَّلِهِ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 إِلَيْكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 أَتَى فَعَلْتُ بِأَوَّلِهِ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 وَكَانَ خَالِصٌ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 بِسَدِّ رَوْحِي عَلَى طَاعَتِكَ مَعْدُودَةٌ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 عَاقِبَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 أَلَمْ تَعْلَمْ مِنْ رَوْحِي طَاعَتِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 خَوْفِي إِلَيْكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 مِنَ الرَّاغِبِينَ الرَّحْمَنُ وَالْكَرِيمُ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 كَلَامُ رَوْحِي إِلَيْكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ وَتَجِبُ فِي ذَلِكَ  
 بَارِي الْعَالَمِينَ وَالْحَيُّ الْقَيُّومُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ وَالْكَرِيمُ











[illegible]











فيقال ذلك في الأرض وفي السماء ولا يصح من ذلك ولا أكبر إلا  
 في كاي يمين سبحان الله بارئ العظم سبحان الله المصور سبحان الله  
 خالق الأرواح كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان  
 الله خالق النور سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق  
 ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق  
 سبحان الله الذي يحكم ما يشاء من كل شيء وما تزداد  
 وكل شيء عند عقدي رعايا العبد والشهادة بالكلية المصالح والمفاسد  
 من آخر القول ومن جهره ومن هو مستغنى بالليل وسائر أحواله  
 له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحيطونه من كل أمر الله سبحان  
 الله الذي جيب الأسماء وحجى النور وبكم ما تفضل الأرزاق  
 وتزويج الأرحام ما تشاء إلى أجل نسى سبحان الله بارئ العظم  
 سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأرواح كلها سبحان الله  
 جاعل الظلمات والنور سبحان الله خالق النور سبحان الله  
 خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق  
 كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق  
 من كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق  
 من كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق

وفيخرج الحي من الميت ويخرج الميت من قبره سبحان الله  
 جاعل سبحان الله بارئ العظم سبحان الله المصور سبحان الله  
 خالق الأرواح كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان  
 الله خالق النور سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق  
 ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق  
 سبحان الله الذي يحكم ما يشاء من كل شيء وما تزداد  
 وكل شيء عند عقدي رعايا العبد والشهادة بالكلية المصالح والمفاسد  
 من آخر القول ومن جهره ومن هو مستغنى بالليل وسائر أحواله  
 له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحيطونه من كل أمر الله سبحان  
 الله الذي جيب الأسماء وحجى النور وبكم ما تفضل الأرزاق  
 وتزويج الأرحام ما تشاء إلى أجل نسى سبحان الله بارئ العظم  
 سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأرواح كلها سبحان الله  
 جاعل الظلمات والنور سبحان الله خالق النور سبحان الله  
 خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق  
 كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق  
 من كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق  
 من كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله خالق













يا محبين من حين استقلت في ما جئني الله صلى على محمد وآل  
 محمد ليس من حاجتكم كما ربي يطلب ليس كقوى الله صلى  
 على محمد وآل محمد فاشق على الأيمان بك والصديق رسول الله  
 وآل ولا تفر على من أباط على عكس السلام والجهل ولا تفر  
 إلى الجحيم ولا تفر من عداكم فإن قد صبحت بذلك يا ربنا الله  
 صلى على محمد وآل محمد واستقلت على خير رضوانك والحمد لك  
 أعود إليك من غير الفتر صلى الله على محمد وآل  
 محمد وأخفى من كل غضب ومن كل كبر ومن كل غش ومن كل  
 ومن كل فتن ومن كل لاد ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل  
 غضب ومن كل شر وأنت الذي أنزلت من السماء إلى الأرض  
 في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا  
 الشهر وفي هذه السنة الله صلى على محمد وآل محمد  
 أفهم لمن كل من ربي ومن كل غيب ومن كل سلام ومن كل كرامة  
 ومن كل رزق واسع خلا إلى طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة  
 أنزلت أو أنزل من السماء إلى الأرض في هذه الساعة وفي  
 هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة

الله

الله أن كانت ذنوبي قد خلقت ورحمتك وحالت بكبر  
 وبكبرتك وكبريتك يا رب عندك عاقبة ما أتيتك به من جهل  
 الكبر الذي لم يطفأ وبوجه حببك محمد المصطفى ويوجد  
 إليك على الرضى في حق أولئك الذين اتبعهم فإن حصل على محمد  
 وآل محمد كغيري فلو ألقى وما وكذا والمؤمنين والمؤمنات  
 وما أودوا من سائر ما صبروا وكبرها وإن علمنا يا صاحب  
 وإن غفرت لنا الحيات والمهتات وصالح الدعاء والمسلمين  
 فاستغفر لنا نحن محمد وآل الله صلى على محمد وآل محمد آمين  
 آمين ما شاء الله كان لا حول ولا قوة إلا بالله سبحان ربك رب  
 العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين  
 بردهم من أجناسهم من بلذات وسبلدهم كرون وأجوى  
 ودرج خور وكره بكر وأكرنا بدخود أكبره بداريس كم  
 بالاله لا أنت أسألك بحق محمد صلى على محمد وآل الله  
 أنت أسألك بحق لا اله إلا أنت بالاله إلا أنت أسألك  
 بحال لا اله إلا أنت بالاله إلا أنت أسألك بحال لا اله إلا أنت  
 بالاله إلا أنت أسألك بحق لا اله إلا أنت بالاله إلا أنت أسألك  
 بحال لا اله إلا أنت بالاله إلا أنت أسألك بحق لا اله إلا أنت















رکعت به سلام بدرگشت و شب پانزدهم از لیالی مشترکه  
است و غسل و نماز و احقر نام حسین است مستحب است  
در آن چنانچه مذکور شد و در جمیع شعبه از حضرت علی  
منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که در شب نهم ماه  
بهاره رمضان صد رکعت نماز کند یعنی هر روز رکعت بیست  
سلام و در هر رکعت سبانه سجده و در هر سجده سوره قل هو الله  
احد بخواند حق تعالی ده ملک فرستد بوی او که در هر  
کند از او خبر رود و چنانچه او را از چنان و او در میان و در هر  
نیم از او خبر ملک بفرستد که او را بشارت دهند و بیست  
و بیست ملک که او را بشارت دهند از جهنم و از آتش  
منقولست که هر که در شب هفت ماه رمضان نماز کند  
امام حسین بکند و بعد از نماز عشاء ده رکعت نماز نزد  
قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه قل  
هو الله احد بخواند و در آن خواب به بیند و ملکی چند را که  
بشارت دهند او را به بهشت و ملکی چند را که بشارت  
اورا از جهنم و شب هفتاد و شب بیست و یک رکعت  
حد و آنشب لشکر حضرت رسول با لشکر کفار قریش

ملک

ملکات کینند و در روز و در روز شنبه یک عدد و در وقت  
لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آنرا عظم فواحش است  
بود و غسل و عبادت در آنشب فضیلت عظیم دارد و شب  
نوزدهم از لیالی قدر است و حق تعالی پیغمبر را با آن  
آنرا که با آنکه آنقدر یعنی با فرستادیم قرآن را در شب  
قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد با  
قدر بر او رسال در آنشب میشود و از میر شمس میشود از  
سپاری نزل ملائکه و ما از آن بقا ما لیکه الذی و چه  
چیز را اعلام کرده است که چه است شب قدر لیکه الذی  
نیز از آن شهر شب قدر است از هزار ماه یعنی جمیع  
در آنشب بهتر است از عبادت در هزار ماه و نیز از آنکه  
الفرح فیها فرود می آید ملائکه و روح که از هزار ملائکه  
اعظم است در آنشب با آنکه در نیم بر خست برود کار  
ایشان از کل امر بسبب تقدیر هر امر را حدیث بسیار و از  
شدن است که ملائکه و روح در آنشب بر امام زمان نازل  
میشود و آنچه از برای هر کس در آنشب مقدس شدن است  
بر امام عرض میکند سلام حق مطایع الفجر یعنی سلام

است بر شبها از جمیع اربابها تا طلوع صبح میان صبح و شبیه  
 و در شب قدر خلاف دیگر است بعضی از شیخان گفته اند  
 که شب قدر زمان حضرت رسول است و الله بود و بعد از آن حضرت  
 بر طرف شد و اکثر ایشان گفته اند که در روز قیامت یا قیامت  
 پس بعضی گفته اند در تمام سال آنها است و در همه شبها  
 عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را در یاد و بعضی  
 گفته اند که در ماه شعبان و ماه رمضان آنها است و بعضی  
 گفته اند شب نیمه شعبان است و بعضی گفته اند شب اول  
 رمضان است و بعضی گفته اند شب نیمه است و بعضی  
 شب هفدهم و بعضی شب بیست و یکم و بعضی شب بیست  
 و یکم و بعضی شب بیست و یکم و بعضی شب بیست و یکم  
 و اکثر شیخان در این زمان اتفاق کرده اند بر شب  
 بیست و هفتم و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند بر  
 آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و یکم میباشند  
 و بسیار می از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه از این  
 سه شب هر روز بیست و یکم و بیست و یکم و بیست و یکم  
 بیست و یکم و بیست و یکم و بیست و یکم و بیست و یکم

مکرم

قدر را در یاد و بعضی از احادیث معتبره قیامت است  
 بگردش است و در بعضی قیامت مخصوص بیست و یکم  
 است و منقول است که آن شب هجدهم است و آن اعرابی بود  
 که بحضرت رسول عرض کرد که من از این دو داستان ندیده  
 میباشم شبی را از برای من قیامت کنی که بهترین شب باشد  
 که در آن شب بخوابم و نورسم حضرت شب بیست و یکم  
 از برای او قیامت فرمود و او پیوسته در آن شب با خیال و  
 اهل و خادم و چشم خود داخل مدینه میشد و چون صبح  
 میشد بر میگشت و از بعضی از احادیث ظاهر میشود که  
 هر سه شب قدر را در شب اول قدر یا موعود  
 و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت مملکت است بعضی  
 تعبیر میابند و در شب بیست و یکم میشود و تعبیر میابند  
 یا شبی که تعبیر میابند یا شبی که مانند تمام پادشاهان  
 که اول تعلیق میشود و تعبیر میابند یا شبی که بعد از آن شد  
 و فائز میشود و تعبیر میابند یا شبی که مانند تمام پادشاهان  
 نکره بدان است یا شبی که تعبیر میابند و چون  
 مظهر اشرف و سید منزه است و تعبیر میابند در طاعت



صورت و حق تعالی را حکمتها در اینها بعضی از اینها  
 هست مانند اسم اعظم الهی که اگر کسی در شب هفتاد و  
 نواز و نسی که هر روز عافیتهاست و ساعت است  
 دعا در هر شب و در روز جمعه و عمل قبول در میان اینها  
 و امثال اینها و یک حکمت در اینها ساختن اینها از آنست  
 که بر همه اینها مقتضای الهی و طاعت نماید و اهتمام در  
 همه آنها بکند و در هر ساعت شب و روز جمعه دعا  
 بکند و سعی در همه آنها بکند تا بیک قبول گردد  
 و همچنین در شب قدر شبهایی که احوال آن را در همه را  
 اکثرا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتوان بود مثل  
 آنکه اگر اسم اعظم را هر کسی بداند کلام باشد بعضی از نفوس  
 شریره آنرا وسیله حصول طاعت نبویه کنند چنانچه در بعضی  
 نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استجاب است اگر بخواهد  
 آنها را بداند و مکر است که امور غیر شرعیه یا غیر کلمات عظیم  
 در شب بعضی از سکا ناسد دعا کند و اگر مخصوص باشد  
 باید البته مستجاب گردد و دیگر آنکه غرض دعا را خود نکرده  
 و حکمتها و چیز دیگر بسیار است که این رساله کفایت آنها ندارد

بسیار باشد و مؤمنان بر همه شب را اجتناب و اهتمام در دعا و عبادت  
 بکند تا فضیلت شب قدر را بداند و در شب آخر اهتمام بچند  
 بکند و در شب بیست و سیم که اخلاص و معصیت در آن مخصوص است  
 و از آنست که شب قدر است سعی بیشتر بکند و بخواهد  
 عبادت شب قدر بسیار است از جمله آنکه چوب عبادت  
 شب قدر را در باید بقدر میزان داده از ثواب هزار ماه که  
 زاده از هشتاد سال است از برای او و غیره میباید کرد  
 آنکه چون تقدیر بر این امور جمیع از عیون و مال و غیره ندارد  
 و حق و توفیق اعمال خیر و سایر امور در شب میشود  
 اضلاع احوال تمام سال خود را در شب کرده خواهد  
 بود و مکر است که نام او در دیوان اشعیا نوشته شده باشد  
 و در این شب تقیر باید و از فقر و سعادت متذکر نوشته  
 شود چنانکه این معصوم در اکثر دعاها و احادیث وارد شده  
 دیگر آنکه چون نام او و حضرت صاحب الامر در تمام این شب  
 نام آنکه مقتدر برین محشور است و فوج فوج بخدا سپارند  
 و بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سایر مخلوقین  
 است بر او عرض میکنند و او را بیست و یک در چنین شبی است

با امام خود نکند و بگوید بسم الله و از حضرت رسول  
 منقولست که بهشت را هر ساله برای داخل شدن ماه رمضان  
 بیست و یک مرتبه چون شب اول ماه می شود شیعیان از هر عرش  
 می وزد که او را میفرماید که بگویند و بعد از درجی او در درختان  
 و حلقه های در بهشت را پس نغمه از او می شنوند که هرگز نشنیده  
 کان از آن خوش ایند نغمه شنیدند اند پس حور بان از نغمه ها  
 بهشت بیرون می آیند و ندا می کنند که آیا کسی هست که ما را  
 خواستگاری کند از خدا یا اعمال صالحه خود پس از رضوان  
 خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان می گوید  
 لیکن شبی که حور بان میگویند که از این شب اول رمضان است  
 درهای بهشت گشوده شده است از برای دوزخ داران  
 است محمد پس حنظل می فرماید که ای رضوان یک شهادت بگو  
 بهشت را ای مالک به بند درهای جهنم را از روی داران  
 است محمد ای جنر شیل برویوی زمین و در زمین هر که شیعیان  
 صبر در او غلبه دارد و صبر کند تا ایشان کلاز و ایشان از او بپوشد  
 در با بندگان را تا نکران بگردد است چپ من محمد روزهای  
 ایشان از حضرت فرمود که حق در هر شب از شبهای ماه

درین

رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سوال کنی هست  
 که توبه او را قبول کنم یا استغفار و کند هست که کاشمش را  
 بنام من بگفت که فرزند هد بخداوند مالدار می که هرگز  
 ایشان غیبت و وفات کند است بوعده های خود و ستم  
 نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان  
 در وقت افطار حق تعالی هزار هزار یک را از آتش جهنم آزاد  
 میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر شب  
 هزار هزار یک را از آتش جهنم آزاد میکند که هر یک مستوجب  
 عذاب شدن باشند و در شب آخر ماه بعد آنچه در تمام ماه  
 آزاد کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حور بان  
 امر میکند جنر شیل را که بر زمین می آید بالکسر عظمی از  
 ملائکه و با خود علم سبزی آورد و بر بالای کعبه معظمه  
 نصب میکند و او ششصد سال دارد و بالکسر عظمی ابد مکر  
 در شب قدر و چون در شب قدر آن دو بالکسر عظمی ابد مکر  
 و مغرب میکند و دو پهن میکند جنر شیل را ملائکه را در این  
 شب را ظرف زمین پس سلام میکند بر هر ایشان ده و شش  
 که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و ایشان مصافحه میکنند



و چون ایشان دعا میکنند ملائکه امین میگویند و پیوسته  
شغول این کارند تا طلوع صبح پس صبح چون طالع میشود  
نما میکنند چنانکه برای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شود  
پس ملائکه میگویند ای پسر پیل خدا چه کردی در حق آیت مومن  
ارادت محمد و جبرئیل میگویند اگهان همه را آمرزید مگر  
کسی که همیشه شراب خورد با طاف پدر و مادر باشد با قطع رحم  
کنند یا مؤمنان عداوت کنند و چون شب عید فطر میشود و در  
شب جزای میگویند خدا مرید هدایت کند کار ماه رمضان  
را بپوشاید و چون نامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه  
بسیار در جمیع شهرها میفرستد که زمین بی آلودگی و سر کویها  
و بازارها و راهها بی آلودگی و میگویند ای امت محمدی در روز  
روید بسوی درگاه پروردگار گری که عطا های بزرگ بی  
بخشد و گاهان عظیم را بی آمرزد پس چون بمصلی می روند  
برای نماز عبد حق تعالی بملکه میگوید ای ملکه من چیست  
جزای مرید و هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خدا  
ما و اقای ما جزای او را است که مریدش تمام داده شود و حق تعالی  
میفرماید ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را از

روزگار

روزگار و روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردیم  
از ایشان را جوی شدم و گاهان ایشان را آمرزیدم پس ملائکه  
نمونانیز که در آن جمیع حاضر شده اند که ای بند کار من هر چه  
خواهید از من سؤال کنید بجز آن و جلال خود سوگند ما بکنیم  
که در این جمیع شما امر حاجت گمراهی اخوت و دنیا و خود سؤال  
کنید البتة عطا میکنم و عیبهای شما را بپوشانم از من روگردان  
نشوید و مریدهای شما را از مضایف میفرماید و شما را در میان  
گناه کاران در سزا نمیکرد تا فریاد از من و صلی آمرزیدم بدرستی که  
خوشنود کرد و این بدیدم را و خوشنود شدیم از شما پس ملائکه  
سر و رو شادی شوند و یکدیگر را مبارکباد میگویند  
با نچه حق تعالی بر امت محمد عطا کرد و در حدیث معشیر از  
حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که احب اکد شب  
مقدد گاهان را و آمرزیدم خود هر چند بعد دستارهای  
آسمان و ستیغی کوهها و کلبه ها باشد و افاضات آسمان  
سه شب قدر پس برود و نوع است **فصل** آنکه در هر سه شب  
یام بدر **فصل** آنکه مخصوص است بهر شیئی اما اول از حضرت  
منقول است منقول است که هر که در شب قدر و رکعت نماز







بیت سیم شب جمعی است و در آن شب جمیع امور بر روح پاک  
مقدور میگردد و در آن شب مقدور میشود مرگها و بلاها و کلا  
و روزنها و فضاها و آنچه در انسان واقع میشود تا شب آخر  
آیند بر خوشحال شدن که احیاناً کد آن شب را ویدار باشد  
بسیادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجده و گاه در قیام  
و در برابر دیدنهای خود بمشغول گرداند و بر آنها بگریزد چون  
چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر هم خبرم نگردد  
الحق آنکه فرمود که خوشحال که امر میکند ملک را و در هر یک  
ماه رمضان که تبارک باو شهادت ای بندگان من که بخت پیدا  
کاهان کند شنه نما را و در شب قدر شفاعت نماید از او  
حق بگذرد و بگوید قبول میکنم و دعا های شما را و حق بگذرد بگر  
سختیاب میگردد و از هر کس که روزی را اظفار کند بر دست  
کنند با کینه مؤمنی زاد و دل داشته باشد و بیدار باشد و در آن  
حضرت صادق علیه السلام فرمود است که هر کس سوره عنکبوت و در آن  
در شب بیست و نهم بخواند و الله که او را اهل بهشت است و  
استثانه نمیکند در آن احدی را و غیر ستم از این سو کند و من کاه  
نبوید و این دو سوره را از حق تعالی منزلت عظیم است و

بخدا

احیاناً از آن حضرت بدست و غیر منقول است که هر که در شب بیست  
سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره الفاتحه را بخواند  
هزار باره صبح کند یا بقیه شب بیدار باشد یا آنچه مخصوص  
ماست از کارهای او را بشت بیدار باشد یا در خواب بر بیدار  
و سوره حم دخان نیز سنان است که در آن شب بخواند و از  
حضرت امام محمد تقی علیه السلام نقل است که هر که زیارت کند امام  
حسین علیه السلام را در شب بیست و نهم که امید شب قدر و در آن  
هفت روزان هر امری بخواهد و معجز شود و صاف کند با او  
روح صدف و بیست چهار هزار مرتبه بگوید در آن شب رخصت  
میطلبند از خوشحالی در روز بارش آنحضرت و بدست و غیر از  
حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر کس  
احیاناً که شب بیست و نهم ماه مبارک را و صد رکعت نماز  
بکند حق تعالی روزی او را فراموش گرداند در دنیا و آخرت و نماز  
را از او بکشد و از آن فراموش شدن و خانه بر سرش خراب  
شدن و لقمه در گلو گرفتن و از تنزد و ننگان و دفع کند  
از او هول و ترس و بگریزد و از او قهر و زاری و او را بگوید  
باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست





وافتخارشان از دود و محرومیت و هر که لذت عبادت حق را با  
خشم است و قویان را در دنیا و عقبی و استقامت است خاشع  
عبادت و بتدی که میباشد پس باید ایستاد و از هر یک که را بخوبی  
و دلچ کند که عزیزتر باصل خود را در هنگام مفارقت و دانی  
میکنند و معلوم است که غلامی که از خدمت غای خود رفته  
و خوشها را باشد و از ترک خدمت دلگیری باشد مثل غلامی  
نیست که از ترک خدمت کند و آن را خراج باشد و دغا های  
و دغا و از دشمنی است خوندن و اگر در دغا خوندن  
نخواهند خوب است و در حدیث است که اگر غمناک باشد  
در شب بیست و نه آیه است خوندن و دغا ها  
و دغا و از دشمنی است خوندن و اگر در دغا خوندن  
نخواهند خوب است و در حدیث است که در آخر ماه شبانه  
باشد در شب بیست و نه آیه است خوندن و  
دغا های و دغا بسیار است و بهترین دغا ها دغا ی حقیقه  
کامله است و بسندهای بسیار و غیر از حضرت امام جعفر  
صادق این دغا ی و دغا ی بنوعی است که از هر یک که را  
الکثره انک خلت فی کل ان شئ یصل الیه فی کل ان شئ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَالْهِدَى وَقَوْلَ حَقِّ شَهْرٍ وَمَضَانِ النَّجَافِ  
فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ لِمَنْ هَدَى وَالْغُرَفَانِ  
وَهَذَا شَهْرُ مَضَانِ الَّذِي أُفْرِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ  
وَبَيِّنَاتٍ مَنِ الْهُدَى وَالْغُرَفَانِ وَهَذَا شَهْرُ مَضَانِ هَرَقَ  
وَالْعَصَا بَامَةً وَأَبَايَهُ فَاسْتَمَلَكُوا حَيْثُ كَبَّرَهُمْ وَكَانُوا  
الْقَاتِلِينَ كَانَتْ عَلَى حَقِّ ذَنْبِ الْغُفُورِ إِلَى أَرْبَعِينَ فَعُدَّ حَقِّ  
عَلَيْهِ وَأَقْبَلُ بِهِ أَنْ يَتَلَعَّ طَرَفُ هَذِهِ الْكَلِمَةِ وَتَصِفَ هَذَا  
الْقُرْآنَ الْأَوَّلَ وَخَفَرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ الرَّاجِعِينَ الْهَوَايَا الْكَلِمَةَ  
يُطْلِقُ أَهْلُهَا وَأَخْرَجَهَا مِمَّا ظَنَنَ فِيهَا وَأَمَّا هَذِهِ الْكَلِمَةُ  
الْحَاصِلَةُ مِنَ الْجَهْدِ وَنُفْسِ الْعُزُوفِ فِيهِ كَرُوهُ وَكَفَرَهُ  
لِلنَّاسِ الْبَرِّينَ أَخَذَهُمْ غَلِيٌّ وَأَوْحَيْتُ بِهِ أَصْلَافُ حَافِلِينَ مِنَ الْكَلِمَةِ  
الْمُتَرَبِّينَ وَالْبَرِّينَ وَالْمُكِبِّينَ وَأَصْلَافُ النَّاطِقِينَ السَّخِيحِ  
لِلْقُرْآنِ مَجْمُوعُ الْعَالَمِينَ عَلَى أَلَكِ الْكَلِمَةِ أَشْهُرُ مَضَانِ وَعَلَيْهَا  
مِنْ فَوَاحِشِ وَخِدَعَاتٍ مِنْ حَرِّ يَمْتَلِكُ وَأَجْسَادِيكُ وَنَظَامِي  
أَيْضًا يَكِيدُ لَكَ الشَّيْءُ الَّذِي الظَّالِمُ الْأَعْمَى الزَّكَاءُ الْخَالِدُ  
السَّخِيمُ الَّذِي لَا يَنْجُو لَوْلَا لَيْدُ جَلَّ شَأْنُهُ أَعْتَدْنَا عَلَيْهِ  
حَقِّ تَصَبُّتٍ عَصَا صِبَامَةٍ مِنْ صُلُوفٍ وَمَا كَانَ يَنْفَاقُ مِنْ



بَرَأ وَفَكَرَ أَوْدَكَ اللَّهُمَّ ثَقَبَتْهُ مِثْرًا أَحْسَنَ قَوْلِكَ وَجَعَلَتْهُ  
 وَغَفَوَكَ وَصَلَحَكَ وَغَدَاكَ وَخَصَّكَ بِرُضْوَائِكَ حَتَّى غَفَرَ لَكَ  
 فِيهِ وَبَكَرَ مَطْلُوبَ وَجَرَّ بِكَ غَاثَ مَوْحُوبٍ وَتَوَسَّلَ بِكَ مِنْ  
 كُلِّ أَمْرٍ مَوْحُوبٍ مَذْهَبَ مَكْتُوبِ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَلَكْتُ عَظِيمَ مَا  
 سَلَكْتَ أَهْلًا مِنْ عِلْمِكَ مِنْ كَرَمٍ إِذَا لَكَ وَجَرَّ بِكَ ثَنَاتُكَ وَتَلَطَّ  
 دَعَاؤُكَ أَرْصَلَ عَلَى كُلِّ دَعَايٍ فَإِنَّ حَسْبَ عِزِّكَ هَذَا الْعَقْلُ  
 شَعْرُ رِضَانٍ مَرَّ عَلَيْكَ أَمِنْدَ أَنْ تَكُنَّا إِلَى الدُّنْيَا لَكَ فِي عِصْمَةِ  
 دِينِي وَتَلَاوِيهِ نَحْبُ وَقَضَاءُ حَاجَتِي وَتَشْبَعِي عِزِّي إِلَى تَقَاوِي  
 التَّوَكُّلِ وَتَصَرُّفِي السُّوءِ حَتَّى وَلِيَا لِي الْعَاقِبَةَ وَإِنْ تَجِبَ لِي  
 بِرَحْمَتِكَ مِنْ خِزْنَتِكَ لَمْ يَكُنْ الْقَدَرُ وَجَعَلَهَا الْمَخِيرَ مِنْ أَلْفِ  
 شَعْرَةٍ عَظِيمِ الْأَكْبَرِ وَكَرِيمِ الْبَرِّ وَطَوَّلِ الْأَمِيرَ وَخَسِرِ الشَّيْءَ  
 دَوَامَ الْبَسِيرِ اللَّهُمَّ وَاسْتَلَكْتُ بِرَحْمَتِكَ وَطَوَّلِ الْغَفِيرَ  
 وَتَلَاوِيكَ وَجَلَّ إِلَهُكَ وَتَلَاوِيكَ وَاسْتَلَاوِيكَ أَنْ لَا تَجْعَلَ  
 أَفْعَالِي الْمَهْدِيَّةَ الشَّيْءَ رِضَانٍ حَتَّى تَقْلَعَنِي مِنْ قِيَابِ عِلَاقَةِ أَحْسَنِ  
 حَالٍ وَتَقْبَلَنِي فِي مِلَّةِ أَمْعَ النَّاسِ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَرَانِ لَمْ يَكُنْ فِي  
 أَحْسَنِ حَالِيكَ وَالْأَمْرُ بِغَيْرِكَ وَأَوْسَعُ رَحْمَتِكَ وَأَسْوَأُ لِي بِكَ  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِذُّ بِكَ الَّذِي لَا يَكُنْ بِكَ عِبْرَةٌ لَأَكُونَ هَذَا الْوَدَاعَ حَتَّى

وادع قناتة ولا ابراهيم العبد المذنب من فريسيه من فريسيه  
 المسيح الغيور وفضل الزناوة وانا لك على احسن الوفاء انا لك جليل  
 القدوس الكهنه اسمه ذغاني وارحم تضرعي وتذرك لك ولا تترك  
 لك وتترك على عبادك وانا لك سبلا ابراهيم انا لك سبلا انا لك  
 كذا يما ولا يملكه الا الله وملك ما نحن على بلنا ولا نعرفه  
 اسمنا ولا نعرفه فكم نعرفه انا انا من سبلا تتركه وتترك  
 وتترك جميع البواقي فكل الله الذي انا على صيام هذا الشهر  
 وقباليه من انا العبد المذنب الكهنه انا سبلا انا سبلا انا سبلا  
 ما ذهب به وارفعه ما رزقت به من سبلا صلى الله عليه وآله  
 ان تفضل على سبلا ولا تفضل ولا تفضل ولا تفضل ولا تفضل  
 طاع خروحي من الدنيا ولا وادع ابراهيم عبادك بنو ولا ابراهيم  
 القوي وادعني العوديه من العوديه وادعني ابراهيم انا سبلا  
 وقديني من اللبلة العبد وادعني ابراهيم انا سبلا انا سبلا  
 الكلب والبارقة الجبال والبارقة الطير والافواه والارض  
 والسموات والبارقة ابراهيم انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا  
 انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا  
 والافواه انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا انا سبلا







[illegible]

الکلمة لا تحبها الا الهة من رحاها في شهر رمضان واعرف  
يا ابا ان تطلع في هذه الليلة الاقوى فاعتزلت حتى تطلع  
او اذ بعثنا صبحنا من رعد او اذ نوبه وانا به روى كذا في  
سننناست كما بندها راجع اعد الله اياها استلقت راجت  
ما ذعيت به وارفع ما تصيب به عن محمدي وعن اهل بيت  
محمدي عليه السلام ان نزل عليه وعلمه ولا تجعل  
واحد من هذه الا وادع خروجه من الدنيا لا وادع اخراجه اليها  
ويعني في ليلة القدر واجعلها في اخر امر الف شهر مع  
مضاعف الاخر والاحياء والعقود عن النبي وعن الزبير  
از جعلوا في ما كسنتناست در شب اخر اذ كرون بيننا  
زيرا كذا شي امنه كذا في ليلة اواز الف شهر اذ  
يكرون اندهم كذا في ليلة ضعيفة وما بندها كان زفير دقت  
از اذ كندا بتدست كذا وادع او در بين والمان وسعت  
وكل اواز الف شهر اذ كندا ونام اواز الراجد اذ اصبح  
هو ما بندها في ليلة من اولت كذا حضرنا ما من زبنا العايد  
بندها كذا در عرض سال محمدي وهو اذ بعت نفوسنا و  
كدر شب اخر ما ورضا اذ اذ كندا وبندها كذا في ليلة



[illegible]

فصل پنجم در بیان سبب و اثر و در غای مخصوص در حد آخر

مبارکست و پسند معجز از حضرت صادق علیه السلام است که آن  
حضرت در ره شبساز شبی از خواب بیدار شد و از آنجا که  
آنکس گفت فی کمال شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن  
منى اللیلایه بینا عریا لحدی والفرقان فخطبت غریبه  
شهر رمضان على الزکاة وید الفرائض وخصصه لیسبأ الله  
سجدها ثم لمزل انظر الفختر وکان امام فخر رمضان

[illegible]

















ان تصيبنا من كل خير نزل فيه يهودك يا جودا الاجودين  
**فمن جودا** اللهم رغب في جودك يا مكرمك وادفع في  
 حلالك وكرامك وادفع في جودك لا تتركك ولا تتركك ولا تتركك  
 بغيرك وسررك يا بصيرنا يا بصيرنا **فمن جودا** اللهم رغب  
 في جودك يا بصيرنا يا بصيرنا وجعلني فيه من جودك الصالحين  
 العارفين واجعلني من اولئك المقربين يا غياث يا اكرم  
 الراغبين **فمن جودا** اللهم لا تخلفني فيه ولا تتركني  
 معصيتك ولا تتركني فيه لئلا يطعنك وترفعني فيه  
 من موحيات مخطئك وتلك يا اكرمك يا مكرمك يا غياث  
 الراغبين **فمن جودا** اللهم ارحمني على جودك وقبلك و  
 بكتفي فيه من همومي وانايمه وادفعني فيه من كرمك وكرامك  
 وتوفيقك يا مكرمك يا بصيرنا **فمن جودا** اللهم ارحمني  
 رحمة الانيام والطعام والشراب والسكنى والجنات  
 السلام وخضرة النكرام بطولك يا مكرمك يا بصيرنا  
**فمن جودا** اللهم اجعلني فيه نصيبا من رحمتك الواسعة  
 واغنيني فيه لئلا اجد في الشاغل وحدي يا بصيرنا يا  
 مكرمك يا بصيرنا يا مكرمك يا امل المشائين **فمن جودا**

الاجودين

اللهم اجعلني فيه من المتوكلين عليك واجعلني فيه من  
 العارفين لك واجعلني فيه من المقربين اليك يا غياث  
 يا غياث العارفين **فمن جودا** اللهم رغب في جودك  
 وكرامك يا بصيرنا يا بصيرنا وجعلني فيه من جودك الصالحين  
 العارفين واجعلني من اولئك المقربين يا غياث يا اكرم  
 الراغبين **فمن جودا** اللهم لا تخلفني فيه ولا تتركني  
 معصيتك ولا تتركني فيه لئلا يطعنك وترفعني فيه  
 من موحيات مخطئك وتلك يا اكرمك يا مكرمك يا غياث  
 الراغبين **فمن جودا** اللهم ارحمني على جودك وقبلك و  
 بكتفي فيه من همومي وانايمه وادفعني فيه من كرمك وكرامك  
 وتوفيقك يا مكرمك يا بصيرنا **فمن جودا** اللهم ارحمني  
 رحمة الانيام والطعام والشراب والسكنى والجنات  
 السلام وخضرة النكرام بطولك يا مكرمك يا بصيرنا  
**فمن جودا** اللهم اجعلني فيه نصيبا من رحمتك الواسعة  
 واغنيني فيه لئلا اجد في الشاغل وحدي يا بصيرنا يا  
 مكرمك يا بصيرنا يا مكرمك يا امل المشائين **فمن جودا**

سبحه

فمن جودا

فمن جودا

فمن جودا

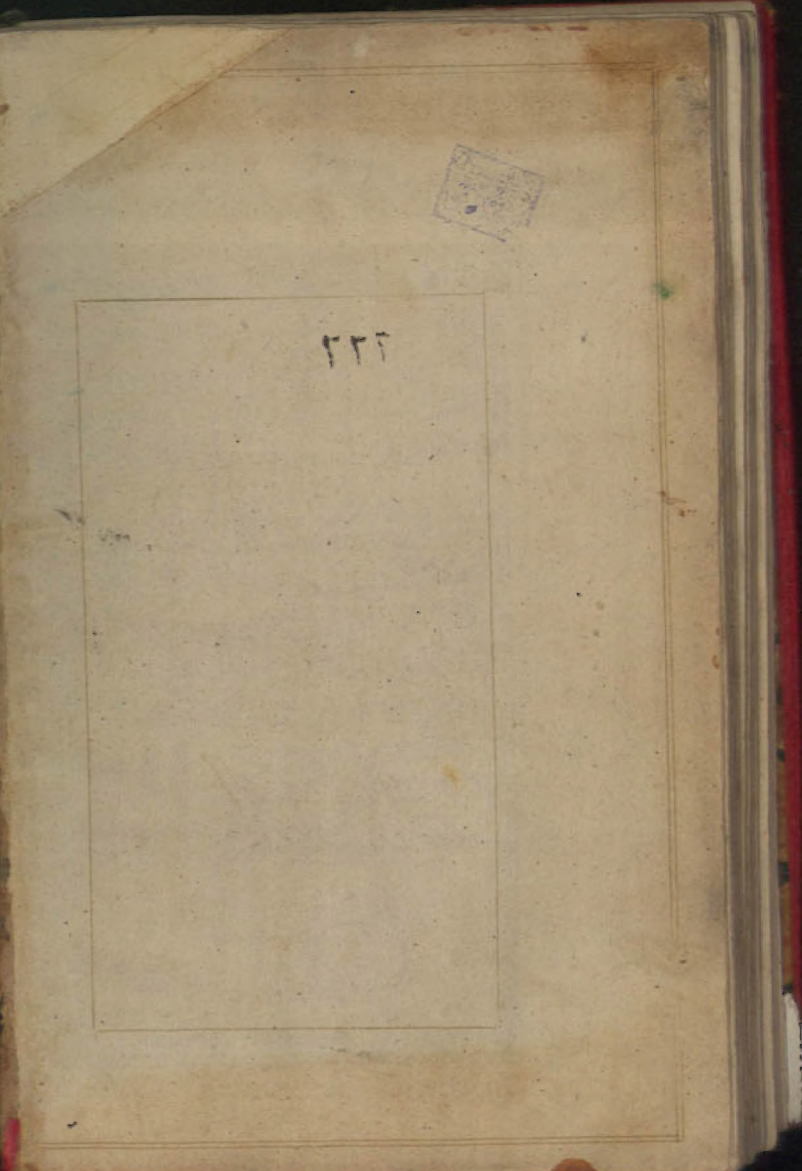


**منزلة** اللهم اهدني في هذا المصالح الاكفالى وافير لي فيه  
 الخواص والافعال باذن لا يحتاج الى التفسير والشواهد باعمالنا  
 بمانه صدقوا العالمين صل على محمد وآله الطاهرين **منزلة**  
**هي** اللهم يهني فيه ليركات انخاره وتوزينه قلبي  
 يضبطه اتوارى وخذ بيك كل عضائي الى اتباع اثاره  
 باستور قلوبنا العارفين **منزلة** اللهم وزني فيه سخطي من ريبك  
 وسخطي من الهمم والاهل ولا تحرم في قبول حسناته باعمالنا الى  
 الخواص **منزلة** اللهم افح لي ثواب الجنان واغلق عني  
 فيه ابواب الشيطان ووقفني في ليل الاخرة الفان بامنير الشيطان  
 في قلوب المؤمنين **منزلة** اللهم اجعل لي فيه الى  
 مرضائك دليلا ولا تجعل لي بطان فيه على سبيل او اخرجني  
 الجنة الى منزلا ومقبلا بافاضي خواص الطالبيين **منزلة**  
 اللهم افح لي ثواب فضلك وارزق علي فيه بركاتك ورحمتك  
 فيه ليوحيات مرضائك واسكنني فيه بمجوحات جناتك يا  
 مجيب دعوة المضطربين **منزلة** اللهم اغني عني عن الدنيا  
 وطهرني فيه من الغيوب واتجر في قلبي بيقوى العلوي  
 بامقبيل عشر ايام المذنبين **منزلة** اللهم افح لي ثوابك

فيه ما يرضيك واعوذ بك ما يوديك واستألفا التوفيق  
 فيه لا زلتك ولا اعصيتك باجود السائلين **منزلة**  
**منزلة** اللهم اجعلني فيه محبا لا كره لآياتك ومعاذ بالاحكام  
 مستألفا خاتم انبيائك باعمالهم قلوبا لتبين **منزلة**  
**منزلة** اللهم اجعل لي فيه مشكورا وذني فيه مغفورا  
 وعجلي فيه مقبولا وعجلي فيه مستورا يا اجمع السامعين  
**منزلة** اللهم ارزقني فيه فضل ليلة القدر و  
 صبر لمؤذي فيه من العسر الى اليسر وافعل معاذي بريء  
 خطي الى روز باروقا عباد الصالحين **منزلة**  
 اللهم وفر حظي فيه من التواكل واكرمني فيه باحضار الاشياء  
 في السائل وقرب فيه وسبكي اليك من بين السائل باذن  
 لا تشغله الخواص الملهين **منزلة** اللهم فتحني فيه بالبركة  
 وارزقني فيه التوفيق والعصمة وطهر قلبي من غيابة  
 التهمة بارحمة ارحم الراحمين **منزلة** اللهم اجعل لي  
 في التوسل والقبول على ما ترصاه وبرصاه الرسول حكما  
 فرفعني بالاصول بغير سيدنا محمد وآله الطاهرين والمحمد  
 في الدنيا والعالمين **منزلة** كدر قد بدو وناجبر دعاها وناجبا









۱۳۵۰

خطی